

سطری از آسمان

تألیف و پژوهش

آثار برگزیده

چهارمین مسابقه نویسندگان جوان و جوانان نویسنده 9

سطری از آسمان  
تألیف و پژوهش  
ناشر: ستاد اقامه نماز  
انتخاب و تدوین: تیمور امیری و حسین حداد  
طراحی یونیفورم: حسین حداد  
طراح جلد: امیر نساجی و مهدی کریمخانی  
تیراژ: 5000 نسخه  
نوبت چاپ اول: پاییز 1382  
قیمت:  
چاپ و صحافی، مهر - قم  
مرکز پخش: تهران، صندوق پستی 355/15655  
تلفن: 8900059  
شابک:  
ISBN:

#### فهرست

- تجلی نماز در نهضت عاشورا/ نسرين نوري 9
۱. روز تبلور عبادت 11
  ۲. شیرینی معرفت 13
  ۳. همانند نماز فرشتگان 15
  ۴. نماز، محبوب حسین علیه السلام 17
  ۵. شب معراج 19
  ۶. اولین شهید نماز در جبهه کربلا 21
  ۷. درس‌های حسین علیه السلام 22
  ۸. نماز آخر(شعر) 24
  ۹. کجایند یاران بی‌ادعا 29
- تجلی نماز در نهضت عاشورا/ فاطمه مرندی 31
۱. نماز و مناجات بر کنار مزار خدیجه(س) 33
  ۲. نماز امام حسین علیه السلام در صبح عاشورا 34
  ۳. اقتدای اهل بیت و اصحاب به امام حسین علیه السلام 35
  ۴. سردار عشق، تفسیر نماز 37
  ۵. نماز و غیرت و مردانگی 39
  ۶. نماز و آرامش دل‌ها 41
  ۷. نماز و فسادستیزی 43
  ۸. نماز و وحدت و همدلی 45
- تجلی نماز در نهضت عاشورا/ موسی مونس‌خواه 47
۱. بصیرت خواص در نهضت عاشورا و نقش نماز در آن 49
  ۲. انگیزه و نیت مقدس در نهضت عاشورا و... 53
  ۳. نقش اهل بیت علیه السلام در شکل‌گیری نهضت توأبیین و... 61

سطری از آسمان/ مجید یعقوبی 63

۱. نماز و شایسته سالاری 64
۲. نماز و اعتدال 66
۳. نماز و فلسفه آفرینش 68
۴. نماز و بهداشت روان 69
۵. نماز و وحدت 72
۶. نماز و وفای به عهد 75

تأثیر نماز در مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی/ میثم شرفی 77

۱. پابندی به رعایت حقوق دیگران 78
۲. سلامت اقتصاد 79
۳. پیدایش روح رحمت و رأفت در اجتماع 81
۴. نتیجه‌یگرنگی و اتفاق و پایان سرسختی و افتراق 84

نقش نماز در اصلاحات اجتماعی/ سید حسین حسینی جبلی 85

۱. نماز، ضد منکرات 87
۲. نظم و انضباط 93
۳. نماز و حکومت اجتماعی 95

نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی/ علی فتحی 101

۱. غرب و آینده‌ای مبهم 102
۲. اسلام، بهترین طریق هدایت 105
۳. خودسازی اولین گام در راه اصلاح اجتماع 108
۴. نقش نماز در روابط اجتماعی 110

نوری در تاریکی/ کبری جبرایی 113

۱. نماز باعث از بین رفتن غم و غصه می‌شود 115
۲. آرامش در نماز 117
۳. ولایت اهل بیت شرط قبولی در تمام عبادات 119
۴. نقش نماز در کاهش جرائم 123
۵. زن و نماز 125

نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی/ معصومه خلیفه‌قلی 127

۱. برقراری عدالت 129
۲. علل اجتماعی غفلت نوجوانان از نماز 134
۳. اگر خواستید نماز شما برنگردد 138

نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی/ اکرم سروبی اصفهانی 139

۱. نقش فرهنگی نماز جمعه 141
۲. نماز عید فطر 144
۳. حج (نماز عید قربان) 147

سطری از آسمان

سطری از آسمان

### تجلی نماز در نهضت عاشورا نسرین نوری

گذشته چراغ راه آینده است؛ نمی‌توان بر ارباب زمان مهار زد و افسار آن را بر دوشش انداخت؛ بلکه باید از آن درس‌ها آموخت و عبرت‌ها گرفت. باید وقایع زمان را کاوید و در لابه‌لای اوراق تاریخ گشت و برای آینده چراغی ساخت تا مبادا در چالش‌های زندگی گم شده، خود را از یاد ببرد. سکوت، اعتراض، حرکت، حج نیمه‌تمام و خیمه برافراشتن امام حسین علیه السلام، به همراه بردن عزیزانش و... همه و همه درس عبرتی برای جویندگان حقیقت ناب الهی است.

تراژدی کربلا دهشناک‌ترین واقعه تاریخ است؛ حسین - که بر او و یاران بی‌بدیش سلام باد - چرا مرگ را این گونه صحنه‌آرایی می‌کند؟ حسین - که جان همه حقیقت‌جویان فدایش باد - چه می‌خواست بگوید؟ مگر عالم تکوین و تشریح چه نیازی به خون حسین علیه السلام داشت؟ بیایید به خود مراجعه کنیم و حسین علیه السلام - آن وجدان بیدار را در گنه وجود خود بیابیم و دل فرزند زهرا علیها السلام را شاد نماییم. بیایید با هم درسی جدی برای همیشه زندگی خود از کلام و مرام و عمل حسین علیه السلام بگیریم.

نوشتار خانم نسرین نوری در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول از «جلوه نماز در کربلا» و در فصل دوم از «آثار و پیام نماز عاشورا» بحث و گفت‌وگو شده است. و در فصل سوم «اشعاری چند درباره نماز و عاشورا» جمع‌آوری شده است.

گذشته از لطافت نوشته، هر جا واژه‌ای نیاز به توضیح داشته، نویسنده آن را شرح داده است. نمونه‌ای چند از این نوشتار را می‌خوانیم:

۱

روز تبلور عبادت

از ویژگی‌های امام حسین علیه السلام که منشأ و سرچشمه دیگر صفات و امتیازات او گردید، این بود که فرمان خاص آفریدگارش را در روز بزرگ و جاودان عاشورا به سبک بی‌نظیری اطاعت نمود و خدا را به گونه‌ای عبادت کرد که نه کسی پیش از او توفیق آن را یافته بود و نه پس از او خواهد یافت. عبادت امام حسین علیه السلام در آن روز تاریخی و حماسه‌ساز، عبادتی جامع، کامل، پر محتوا و در بردارنده تمامی اقسام و ابعاد یک سیستم عبادی کامل بود. از عبادت‌های بدنی و قلبی گرفته تا ظاهری و باطنی، روحانی و معنوی، واجب و مستحب و دیگر چهره‌ها و جلوه‌های پرستش خالصانه و عاشقانه خدا، در آن موج می‌زد و بهترین و کامل‌ترین و زیباترین نوع عبادت در عبادتگاه حسین علیه السلام تبلور یافت.

و در یک روز؛ یک روز شکوهمند و به یاد ماندنی از روزهای آفریدگار توانای هستی، خداوند به انواع و اقسام پرستش‌ها و در تمامی جلوه‌ها و چهره‌ها پرستیده شد.

آن روز علاوه بر این که روز بزرگ عبادت و نیایش بود روز تبلور ارزش‌های انسانی نیز بود. به همین جهت عاشقانه‌ترین و خالصانه‌ترین نیایش‌ها و عبادت‌ها، تمامی مکارم اخلاقی و صفات پسندیده انسانی به صورت همگون و ناهمگون، در بهترین صورت ممکن در چشم‌انداز بشریت قرار گرفت.

۲

## شیرینی معرفت

امیرمؤمنان علیه السلام در ترسیم صفات فرشتگان می‌فرماید: آن‌ها شیرینی معرفت خدای را چشیده و از جام مهر و محبت او سیراب گشته و پروای از خدا تا اعماق قلبشان نفوذ کرده است، از این رو فرمانبرداری و عبادت طولانی خدا، قامت آنان را خم کرده و شوق بسیار به او، حالت تصرّح آنان را از بین نبرده است. (1)

آری، اگر به خوبی به شخصیت والا و شاهکار بزرگ حسین علیه السلام ببیندیم به روشنی آثار چشیدن معرفت خدا و سر کشیدن جام مهر و عشق او را، در کران تا کران زندگی او در خواهیم یافت. او شیرینی معرفت بی‌نظیری را چشیده بود که هجوم امواج رخدادهای ناگوار و تلخ دنیا و دنیاپرستان بر قلب و جان و درون و برون او هرگز احساس تلخ‌کامی نکرد.

اگر با بینش معنوی به سخن امیرالمؤمنین در مورد فرشتگان ببیندیم که فرمود:

«فرمانبرداری و عبادت خدا قامت آنان را خمیده ساخته، اما شوق بسیار به او حالت نیایش آنان را از بین نبرده است.» در خواهیم یافت که آشکارترین فرد و شایسته‌ترین مصداق آن، امام حسین علیه السلام است، چرا که هم در فرمانبرداری و عبادت با شکوه روز عاشورا قامتش خمیده شد و هم تیر سه شعبه‌ای که بر سینه و قلب مقدسش فرود آمد به جان خرید و خون پاکش فواره زد. باید که بر خمیدگی قامت او در اطاعت و عبادت پرشکوه خداوند در آن روز، جدا شدن و قطعه‌قطعه شدن پیوندهای وجود و اعضای مقدسش را نیز اضافه کرد؛ اما با همه این‌ها عشق او به خدا افزون‌تر شد.

۳

## همانند نماز فرشتگان

از صفات برجسته فرشتگان این است که پیوسته در عبادت خدا و اطاعت فرمان او هستند. نه خستگی آنان را فرا می‌گیرد و نه غفلت از یاد خدا ایشان را به نافرمانی وامی‌دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف آنان می‌فرماید:

«برخی از فرشتگان سجدکنندگانی هستند که رکوع ندارند. برخی دیگر برای رکوع خمیده‌اند و قامت برای قیام راست نمی‌کنند. گروهی از آنان به صف ایستادگانی هستند که هرگز دگرگونی در وضعیت آنان پدید نمی‌آید و ستایشگرانی هستند که خستگی و فرسودگی در آنان راه ندارد، نه خواب بر چشمانشان پیروز می‌گردد و نه اشتباه و خطایی بر اندیشه آن‌ها، نه بر کالبدهایشان سستی روی می‌آورد و نه به آگاهی‌شان غفلت و فراموشی.» (2)

امام حسین علیه السلام عبادت تمامی فرشتگان از آغاز تا فرجام آفرینش را در یک روز انجام داد. آن حضرت برای خدا سجده‌ای کرد و جاودانه شد. رکوعی به جا آورد که قامت برای قیام راست نکرد و در شب عاشورا خدایش را به گونه‌ای عبادت نمود که نه خواب بر چشمانش پیروز شد و نه اشتباه و نسیان بر اندیشه‌اش.

نمازگزار باید باطن نماز را دوست داشته باشد، دوست نماز باشد، نه این که فقط نمازخوان باشد. سیدالشهدا علیه السلام به ابوالفضل علیه السلام فرمود: «به این قوم بگو امشب را که شب عاشورا است به من مهلت دهند برای این که خدای سبحان می‌داند ائی أحبُّ الصَّلوةَ له (3) که من نماز را برای رضای او دوست دارم. نماز محبوب من است. من نماز را دوست دارم و می‌خواهم از دوستم وداع کنم».

از امام سجاد علیه السلام روایت شده: «إِذَا صَلَّيْتَ صَلِّ صَلوةً مَوْدَعٍ» (4)، وقتی نماز می‌خوانی مثل آن کسی باشی که می‌خواهد با نماز وداع کند؛ زیرا ممکن است اجل نگذارد به نماز بعدی برسید.

با توجه به این نکته که انمه‌علیهم السلام الگوهای پایدار و مبین عادت هستند توصیه‌های اینان در همیشه تاریخ اسلام چراغی فرا راه مسلمین خواهد بود تا در لحظات کامیابی و ناکامی، شدت و صحت، سرّاء و ضرّاء، همواره خداوند را به یاد داشته و ختم تمامی امور را منوط به رأی و مصلحت پروردگار ببینند و خدای متعال را حاضر و ناظر بر کلیه اعمال بدانند. با عنایت به این مسأله درمی‌یابیم که چگونه است که عابدترین عابدان عصر سلطه اموی حضرت علیه السلام وقتی نماز می‌خواند با آن همه مقامات معنوی چنان در پیشگاه ذات اقدس الهی حاضر می‌گردد که گویی این آخرین نماز اوست.

در عصر تاسوعا، لشکر عمر سعد به دستور عبیدالله بن زیاد حمله کردند و همان شبانه می‌خواستند با حسین علیه السلام بجنگند، حسین علیه السلام به وسیله برادرش ابوالفضل العباس علیه السلام از این‌ها می‌خواهد که يك شب به ایشان مهلت بدهند، می‌گوید، برادر جان به این‌ها بگو همین امشب را به ما مهلت بدهند. من فردا می‌جنگم، من اهل تسلیم نیستم، من می‌جنگم اما امشب به من مهلت بدهند تا فردا [وقت غروب بود]؛ بعد برای این که گمان نکنند که حسین می‌خواهد دفع‌الوقت کند این جمله را گفت: برادر! خدا خودش می‌داند که مناجات با او را دوست دارم. من می‌خواهم امشب را به‌عنوان شب آخر عمر با خدای خود مناجات کنم و توبه و استغفار کنم؛ آن شب عاشورا اگر بدانید چه شبی بود! معراج بود و يك دنیا شادی و بهجت و مسرت حکمفرما بود. در آن شب، خودشان را پاکیزه می‌کردند. خیمه‌ای بود به نام خیمه تنظیف؛ کسی داخل خیمه بود و دو نفر دیگر بیرون ایستاده و نوبت گرفته بودند. یکی از آن‌ها که ظاهراً بریر بود با دیگری شوخی و مزاح می‌کرد، دیگری به او گفت: امشب که شب مزاح نیست. جواب داد: اساساً من اهل مزاح نیستم ولی امشب شب مزاح است. وقتی که دیگران آمدند این توأبیین و مستغفرین را دیدند، می‌دانید دربارشان چه گفتند؟ پس از آن که از کنار خیمه‌های حسین علیه السلام گذشتند گفتند: [دشمن این حرف را می‌گوید]: لَهُمْ دَوَى كَدَوَى النَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ (5)

مثل این که انسان از کنار کندوی زنبور عسل گذشته باشد صدای زمزمه زنبورها چگونه بلند است. صدای حسین و اصحابش به ذکر و دعا و نماز و استغفار این گونه بلند است.

امام حسین علیه السلام می‌گوید من می‌خواهم امشب را شب توبه و استغفار خودم قرار بدهم. [می‌خواهد شب معراج خودش قرار بدهد] آن وقت ما نیازی به توبه نداریم؟ آن‌ها نیاز دارند و ما نیازی نداریم؟ بله آن شب را حسین بن علی علیه السلام با این وضع به سر برد، با حال عبادت به سر برد، به کارهای خود و اهل‌بیتش رسیدگی کرد و در آن شب بود که خطابه‌ای غرّاً برای اصحاب خودش قرائت کرد. (6)

۶

## اولین شهید نماز در جبهه کربلا

عموم مورخین گفته‌اند که سعید بن عبدالله حنفی، سینه و سر و صورت خود را سپر آن حضرت و یاران او قرار داد تا نماز بخوانند و چون زخم‌ها بر بدن او فراوان شد و نتوانست روی پای خود بایستد بر زمین افتاد و در حالی که می‌گفت: «اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْنًا عَادٍ وَ تَمُودَ خَدَايَا! اَيْشَانِ رَا هَمَانَنْد قَوْمِ عَادٍ وَ تَمُودَ از رحمت خویش دور گردان و پیامبرت را از طرف من درود فرست و این درد و زخمی را که به من رسید به او ابلاغ فرما؛ که هدف من در این کار یاری فرزند پیامبر تو بود، آن گاه روی خود را به سوی امام حسین علیه السلام کرد و عرض کرد: «أَوْقَيْتُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ یعنی آیا به عهد خود وفا کردم.

امام حسین علیه السلام فرمود: «نعم انت أُمَامِي فِي الْجَنَّةِ»؛ یعنی آری تو در بهشت پیش روی من هستی. به دنبال این سخن بود که روح از بدن او پرواز کرد؛ در بدن او سیزده تیر مشاهده کردند و این غیر از زخم‌ها و ضربه‌های دیگری بود که بر او وارد شده بود. (7)

۷

## درس‌های حسین علیه السلام

### ۱- درس عبادت و بندگی

امام حسین علیه السلام و اصحابش درس عبادت و بندگی کامل را به بشریت آموختند و خیلی‌ها ادعا می‌کنند که خداوند را عبادت و بندگی می‌کنند ولی هنگام امتحان مردود می‌شوند.

این شعار را می‌دهیم، ای کاش ما در کربلا بودیم تا امام حسین علیه السلام را یاری می‌کردیم و سینه خود را سپر نماز قرار می‌دادیم، اما واقعاً این طور هستیم؟ خود را امتحان کنیم.

### ۲- درس احیای اذان

امام در آن بحبوحه اذان گفتن را فراموش نمی‌کند و شعار توحید را بِكَ بار دیگر در گوش‌ها و دل‌ها زنده می‌کند و همانند پیامبر که به بلال می‌فرمود: «يَا بِلَالُ فَأَرِحْنَا بِالصَّلَاةِ» «ای بلال خوشحال کن ما را به نماز» به هنگام ظهر امام حسین علیه السلام به فرزندش می‌گوید اذان بگو.

### ۳- درس هدفداری

ارزش وجودی هر انسان به ارزش هدف او بستگی دارد، امام به همه نشان داد که هدف ما خداست و هدف احیای روح و حقیقت نماز است؛ امام در قتلگاه هدف خدایی خود را در نظر داشت و می‌گفت: إلهي رَضًا بِقَضَائِكَ.

### ۴- درس آزادی نماز و نمازگزار

امام معتقد بود انسان آزاد آفریده شده و دیگران حق ندارند او را بنده خود سازند؛ خود او نیز این حق را ندارد که خود را برده دیگران سازد، نماز در کربلا، نشانگر آزادی امام و یارانش بود. هم نماز و هم نمازگزار آزاد است. احدی نمی‌تواند آزادی نماز و نمازگزار را بگیرد.

امام به دشمنانش نشان داد که اسیر نفس و دنیا هستند.

۵- درس امانت‌داری

امام به ما آموخت که نماز امانت الهی است، انسان باید به نحو احسن از آن امانت‌داری کند. هنگامی که وقت نماز می‌شد، علی‌علیه السلام به خود می‌پیچید و می‌لرزید. به او می‌گفتند: یا امیرالمؤمنین! تو را چه شده است؟ می‌فرمود: وقت ادای امانتی رسیده است که خداوند آن را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کرد و آن‌ها از تحمل آن ابا کردند و از آن بیمناک شدند. (8)

۸

نماز آخر

ظهر بود و وقت بانگ الصلاة  
جنگ بود و قصه مرگ و حیات

تیغ بود و دشنه و تیر و سنان  
عشق بود و مرشد اهل جنان

روز بود و آب موج و زلال  
قوم تشنه بود و دشت پر ملال

دست بود از پیکر ساقی جدا  
تیر اندر حلق طفل مصطفی

مشک پاره، بوالفضائل غرق خون  
آه از این روزگار پست و دون  
عهد شد بر باد و پیمان بی‌بها  
آه زین نامردمان بی‌وفا

گرد دین کرده حصاری کافری  
یار می‌زد بانگ هل من ناصری

غم‌نواز ای نی‌نواز عاشقی  
زان چه رفت از دست این قوم شقی

تحفه بهر میهمان تیغ آورند  
قاصدان عشق را سر می‌برند

دین به درهم می‌فروشنند و نماز  
بُرده بر بتخانه پستی و آز

کفر مست از باده عصیانگری



عشق مدهوش از می حق باوری

خصم از آوای شیطان در غرور  
یار بود از صوت قرآن در سرور

اهرم زان سو نشستہ در کمین  
رو به روی خیمه اهل یقین

آه، در حال و هوایی این چنین  
کرد بر گردون نظر خورشید دین

دید وقت ذکر یارست و نماز  
واندر آن هنگامه، هنگام نیاز

شد زمان خاکساری پیش دوست  
کین نبرد سخت هم از بهر اوست

بانگ زد بر عاشقان سالار دین  
شد اذان ای دشمنان مکر و کین

جام دل پر از می یادش کنید  
با نیایش‌هایتان شادش کنید

صبر آرید و بخوانیدش به جان  
تا ببینید آن بهشت جاودان

ناگهان شد سرخ دشت نینوا  
سجده‌گاه سبز مردان خدا

ناگهان از اشهد آن شاهدان  
شد کویر خشک همچون بوستان

پر شد از تکبیر، دشت کربلا  
جنت است این جای یا دشت بلا

بر لب هر عاشقی تکبیر بود  
در دل اصحاب شیطان تیر بود

مرکب بیدادشان را تاختند  
تیرها بر عاشقان انداختند

شامی اندر روز روشن کور بود  
دشمن خورشید و ماه و نور بود

ایستاده رو به روی اهل راز  
تا نتابد بر کسی نور نماز

تا شود، پر باد یاد و راه دین  
پشت ابر تیره ماند ماه دین

لیک جوشانست خون شاه دین  
در رگ تاریخ تا روز پسین

تا قیامت هست پا برجا نماز  
هست قائم، قامت آن سرو ناز

وه از آن گلگون نماز آخرین  
مرحبا بر جهدتان در راه دین

تشنه از هیهات من الذله تان  
خوار دشمن، گرچه از من رفت جان

مرگ را نوشیده چون شیر و عسل  
زندگیتان عاشقانه چون غزل

۹

کجایند یاران بی ادعا

کربلا صحنه آزمایش است و صحنه نمایاندن جوهره هر کس بر خود و غیر خود تا روشن شود که سره است یا ناسره؟ کربلا محک تجربه است، تصفیه‌خانه است تا معلوم شود چه کسی شایسته ماندن و درخشیدن بر تارک قرن‌ها است و چه کسی باید به زباله‌دان تاریخ افکنده شود.

کجا رفتند آن نهصد نفر از تابعین و صحابه‌ای که با حسین علیه السلام در منی بر ادای امانت پیمان تبلیغ بستند؟ آیا در میان آن فراموشیان عالم اموات جز آن هفتاد و چند تن، زنده‌ای نمانده است که امام را پاسخ دهد؟ مردان حق را سزاوار نیست که سر و سامان اختیار کنند و دل به حیات دنیا خوش دارند، آن گاه که حق در زمین بی‌کس و غریب مانده است؟

خورشید سرخ تاسوعا در افق نخلستان‌های کرانه فرات غروب کرده است.  
زمین از دل ذرات به آسمان پیوسته است... و اصحاب، نماز عشق می‌گزارند. آن‌ها که مانده‌اند همه اصحاب عاشورایی امامند و اینان را غیر از یاد خدا و نام خدا هیچ پیوندی با دنیا نیست.

## تجلی نماز در نهضت عاشورا فاطمه مرنندی

هر عمل انسان که به اختیار به جا آورده می‌شود مانند يك سکه دو رویه است. ظاهری دارد و باطنی. شکل و قالبی دارد و محتوا و ماهیتی، حرکات و سکنتاتی دارد و نیت و پیوندی. نماز هم از این قاعده مستثنی نیست. از طرفی تکلیف است و از طرفی دیگر حقیقت؛ در يك طرف قامت بستن و ذکر گفتن و به رکوع و سجود رفتن است و در طرفی دیگر قد برافراشتن و به بلندای آسمان پای نهادن و به عرش رفتن است؛ پس نماز تکلیف و معراج مؤمن است.

آن گاه که اذان و اقامه می‌گویی و رو به سوی کعبه می‌ایستی و تکبیرة الاحرام می‌گویی، می‌دانی که کجا ایستاده‌ای؟ آن گاه که حمد و سوره می‌خوانی، می‌دانی با چه کسی سخن می‌گویی؟ آن گاه که به رکوع می‌روی و به سجده در می‌آیی، می‌دانی در برابر چه کسی کرنش می‌کنی؟ آن گاه که دست به آسمان بر می‌داری و راز و نیاز می‌گویی، می‌دانی از چه کسی چه می‌خواهی؟ و آن گاه که شهادتین می‌گویی و به سلام می‌نشینی، می‌دانی که به چه چیزی اعتراف می‌کنی و چه کسانی برای پاسخ سلام از عرش به زمین می‌آیند و در مقابل تو می‌ایستند؟ هیچ وقت آن‌ها را دیده‌ای؟ حضورشان را احساس کرده‌ای؟

چرا این قدر از خودمان دوریم؟ در نماز به حضور می‌رسیم اما چرا حضور حاضران را در نمی‌یابیم؟ چرا وقتی برای وداع از نماز و سجاده بر مهر بوسه می‌زنیم به مثابه آنانی که «بخرون للذقان بی‌کون» از غم جدا شدن از حضار ناله سر نمی‌دهیم؟ چرا؟ چرا؟...

خانم فاطمه مرنندی در ترسیم چگونگی «تجلی نماز در نهضت عاشورا» نوشته‌اش را در سه فصل تنظیم نموده است. در فصل اول از «تجلی ظاهری نماز» و در فصل دوم از «تجلی معنوی نماز» و در فصل آخر از «تجلی آثار نماز در نهضت عاشورا» گفت‌وگو نموده است. گویی از آغاز تا انجام قیام امام حسین علیه السلام، نماز است که لحظه به لحظه رخ نموده است تا در قلب دوستدارانش برای همیشه جای گیرد. نمونه‌هایی از نوشته‌های ایشان را با هم می‌خوانیم:

۱

### نماز و مناجات در کنار مزار خدیجه سلام‌الله‌علیها

حضرت امام حسین علیه السلام همراه انس بن مالک حرکت می‌کرد، کنار قبر حضرت خدیجه که رسیدند امام گریست. آن گاه به انس فرمود: از من دور شو. انس از مقابل چشمان امام دور شد. نماز امام طولانی شد. انس می‌گوید: شنیدم که امام می‌فرمود: «پروردگارا تویی مولای من، رحم کن بر بنده‌ای که بر تو پناه برده است. ای دارای صفات برجسته، تکیه‌ام بر توست. خوشا به حال آن که تو مولای او باشی. خوشا به حال کسی که خدمتگزار شب‌زنده‌دار باشد و گرفتاری‌اش را با خدای خود در میان گذارد. و بیماری و مرضی نداشته باشد جز محبت به مولایش» آن گاه ندا آمد: «بنده‌ام بیا در حالی که تو در حمایت من هستی. هر چه بگویی ما آن را می‌دانیم. فرشتگانم مشتاق شنیدن صدای تو هستند و ما صدای تو را می‌شنویم. دعای تو نزد من بوده و در حجاب‌ها در گردش است و کافی است که ما پوشش را برای تو برداریم.» (9)

ضحاک بن عبدالله می‌گوید: شب عاشورا امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش تا صبح در حال نماز و استغفار و دعا و گریه و زاری بودند. بالاخره صبح غمبار روز دهم محرم فرا رسید. امام و یارانش برای اقامه نماز صبح آماده شدند. برای بسیاری از یاران امام این آخرین نمازی بود که به امام خویش اقتدا می‌کردند. امام از شهادت خود مطلع و با خبر است لذا برخلاف روزهای گذشته و با وجود مؤذن، خود حضرت اذان و اقامه را می‌گویند و به گونه‌ای که پدر بزرگوارش در سحرگاه نوزدهم رمضان عمل کردند، رفتار می‌نمایند. ابن قولویه و مسعودی نقل می‌کنند آن گاه که امام علیه السلام نماز صبح را به پایان رسانید رو به سوی نمازگزاران کرد و پس از حمد و سپاس الهی فرمود: «خداوند به کشته شدن شما و کشته شدن من در این روز اذن داده است و بر شماست که صبر و شکیبایی در پیش گرفته و با دشمن بجنگید».

### ۳ اقتدای اهل بیت و اصحاب به امام حسین علیه السلام

امام، نماز عشق خویش را که دو رکعت بیش‌تر نیست به جماعت اقامه می‌کند و افرادی که به امام اقتدا کرده و در پیمودن مسیر عشق او را یاری می‌کنند اهل بیت او و اصحاب و یاران خاص او می‌باشند که خود امام نیز به خلوص نیت و اطاعت محض یارانش افتخار می‌کند. برخی از مردم، شاید از روی خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی، به امام می‌گفتند: اگر تو به این راه می‌روی چرا خاندان خود را هم با خود می‌بری؟ و او که تسلیم قضای الهی بود می‌فرمود: وَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَى حَرَمِي وَ رَهْطِي وَ نِسَائِي مُشْرَدِينَ وَ اَطْفَالِي مَذْبُوحِينَ مَظْلُومِينَ مَأْسُورِينَ مُقَيَّدِينَ وَ هُمْ يَسْتَعِيثُونَ فَلَا يَجِدُونَ نَاصِرًا وَ لَا مُعِينًا. (10) همانا خداوند خواسته که حرم و قوم و زنان مرا آواره، کودکان ما را سر بریده و مظلوم و اسیر و در بند و زنجیر ببیند که در آن حال ایشان کمک می‌طلبند ولی هیچ کمک‌کننده و یاری‌دهنده‌ای را نمی‌یابند. با شروع قیام امام همراهان امام به او اقتدا می‌کنند، اما مگر لیاقت و یا تحمل همراهی با امام را دارند؟! لذا به بهانه‌های مختلف از امام جدا می‌شوند و تا آخر بر همراهی مقتدای خویش نمی‌مانند. اما عده‌ای که سعادت ابدی به آنان روی آورده بود، خود را به امام می‌رسانند و در این عشق‌بازی، سر و جان باخته و به لقای پروردگار نائل می‌شوند.

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام پرچمدار دشت بلاست. قیام او مظهر ادب، عشق و اخلاص و وفاداری نسبت به مولای خویش است. قنوت او مظهر عجز و نیاز به پروردگار عالمیان و رکوع او مظهر تسلیم و تعظیم در برابر حق و سجود او تفسیر «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» است. این نماز تمام جهانیان را به شگفتی و تمام عرشیان را به تحسین وامی‌دارد و شیاطین را نومید و خوار و رسوا می‌کند. دشمن به خیال این که با شهادت می‌تواند نور و عظمت او را خاموش کند دست به چنین جنایتی می‌زند که تا ابد در لابه‌لای صفحات تاریخ سندی بر زشتی و پلشتی آنان است.

او بر ساحل فرات، اوج ادب و فداکاری و ایثار را به نمایش می‌گذارد و با لبانی تشنه و مشکی پر آب به سوی خیمه‌ها حرکت می‌کند. دشمن غدار به او حملهور شده و دستان او را از بدن جدا می‌کنند. چرا که این دست‌ها همواره به سوی خدا دراز شده و غیر خدا را پشت سر نهاده و برای حمایت از حجت خدا با کفار قتال نموده است. آنان خیال می‌کردند که با قطع دستان مبارک علمدار کربلا به آرمان‌های پلید خود رسیده‌اند؛ غافل از این که دست معنوی آن بزرگوار که مظهر یداللهی بود و از عرش فراتر می‌رفت قطع نگردیده است. سپس قصد پیشانی او را کردند و با عمود آهنین محل سجده‌گاه او را شکافتند. عباس علیه السلام دست در بدن نداشت تا خود را بر روی اسب نگه دارد بنابراین با سر و چشمانی خون‌آلود بر خاک تفتیده کربلا افتاده و سجود خونین خویش را در حالی که برادرش را صدا می‌زند به جای آورده و به دیدار حق می‌شتابد و در آغوش مادرش حضرت زهرا سلام‌الله علیها آرام می‌گیرد.

۵

نماز و غیرت و مردانگی

حراست از جان و مال و ناموس مسلمین و خصوصاً اهل‌بیت و بستگان، در مقابل تعدی و تجاوز دشمنان یکی از سنگین‌ترین وظایف نمازگزار می‌باشد. تا جایی که اگر کسی در راه حفاظت و پاسداری از این امور کشته شود شهید محسوب می‌شود. امام حسین علیه السلام که آینه مجسم غیرت و مردانگی است از همان شب عاشورا جهت حفظ حرم خویش آینده‌نگری می‌کند. او خیمه‌ها را به قدری به هم نزدیک می‌کند که طناب خیمه‌ها درون هم فرو می‌رود و در پشت خیم گودال‌هایی را حفر می‌کنند تا اهل حرم از حملات ناجوانمردانه احتمالی دشمن در امان باشند. و اصحاب آن حضرت نیز به نوبت برای حفاظت از خیمه‌ها کشیک می‌دهند.

اما عصر عاشورا فاجعه دردناک دیگری رخ داد. هنگامی که امام بی‌پار و یاور با تن مجروح در حال قتال با لشکر شیطان بود ناگهان دشمن به سوی خیم حمله کرده و بین او و حرم مطهر آل پیامبر حایل شدند. امام حسین علیه السلام فریاد برآورد که: **وَيَلْكُمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ.** (11)

ای پیروان آل ابی‌سفیان! اگر شما را دین نیست و از عذاب روز قیامت نمی‌ترسید، پس در دنیای خود از جمله آزادمردان باشید. شمر پلید فریاد زد که ای فرزند فاطمه زهرا چه می‌گویی؟ امام فرمود: می‌گویم من با شما جنگ دارم و شما هم با من و زنان را گناهی نیست، پس این سرکشان را نگذارید متعرض حرم من شوند، مادامی که در حال حیاتم و این درس بزرگی است برای تمامی آزادگان جهان که در هر حال حافظ جان و ناموس خاندان خود باشند.

۶

امام علی علیه السلام می‌فرماید: *أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ وَ عَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا، فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى يُسْرِ أَمْ عَلَى عُسْرِ*. برترین مردم کسی است که به عبادت خدا عشق بورزد و برای آن آغوش باز کند و از جان آن را دوست بدارد و با بدن خود بدان بپردازد و به چیز دیگر اشتغال نیابد. چنین کسی را اندیشه آن نخواهد بود که دنیایش با آسایش و راحتی بگذرد یا با سختی و مشقت.

امام حسین علیه السلام و یارانش شب عاشورا را با نماز و ذکر خدا و دعا و تلاوت قرآن سپری کردند. دشمن با وجود آن که با تمام امکانات و ساز و برگ جنگی به میدان آمده و آن‌ها را در محاصره و تنگنا قرار داده بود ولی آن چنان روح نماز بر جمعشان حاکم بود که در سر هیچ کدام سودایی غیر خدا نبود و دنیا با تمام زخارف و زرق و برق و زیبایی‌اش در نظر آنان حقیر و خوار شده بود. *عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ*. (12) خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدار و حقیرند. از یاد خدا چنان آرامشی بر این جمع حاکم است که حتی دشمن را به رعب و وحشت می‌اندازد. آنان با نماز و یاد خدا، ترس را ترسانده‌اند. هر لحظه که می‌گذرد بر شادی و انبساط خاطر آنان افزوده می‌شود. گویی که در محفل جشن و شادی گرد آمده باشند. این روحیه تا آخرین لحظات شهادت نیز ادامه داشت.

امام جواد علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان می‌فرماید: امام سجاد علیه السلام می‌فرمودند: هنگامی که کار بر پدرم حسین بن علی علیهما السلام سخت شد آنان که با او بودند به وی نگاه کردند و دیدند امام حسین علیه السلام برخلاف ایشان است. آن‌ها رنگشان تغییر نموده و قلبشان ترسناک است ولی امام حسین علیه السلام و برخی از یاران خاص وی چهره‌شان نورانی و برافروخته و با قلبی آرام به یکدیگر می‌گفتند: *أَنْظُرُوا لَا يُبَالِي بِالْمَوْتِ*. نگاه کنید که از مرگ باکی ندارد. (13)

*إِنَّ الصَّلَاةَ تَهْئِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ* جامعه‌ای که به معنای حقیقی نماز می‌خواند به دیگران نیز توصیه می‌کند که از فحشا و منکرات به دور باشند چه فساد فردی [ارتکاب گناه و فحشاء] و چه فساد اجتماعی. در حکومت 50 ساله اموی آن چه که به چشم می‌خورد شیوع فساد و منکرات به صورت پیدا و پنهان در اجتماع و ارکان حکومتی بود که با مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید کاملاً شکل زشت خود را نمایان ساخت. لذا تحمل این وضع برای امام حسین علیه السلام که از خاندان عصمت و طهارت است و در پی حاکمیت نماز و سلامت و صلاح اجتماع است؛ محال است. از این رو خطبه کوتاهی می‌فرماید: *أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْتَاهَى عَنْهُ*. (14) آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی‌آید؟! در این صورت باید مرد با ایمان آرزومند مرگ باشد.

*لِيرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا فَإِنَّهُ لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا*.  
و به‌عنوان درسی ماندگار به همه جهانیان زندگی با حکومت ستمگران و فاسدان را جز خستگی، و ملال و مرگ را جز سعادت چیز دیگری نمی‌بیند.

یکی از مهم‌ترین آثار نماز، همدلی و اتحاد و یگانگی بین نمازگزاران و مؤمنان است. خداوند متعال در آیه 29 سوره فتح در توصیف پیامبر و مؤمنان راستین چنین می‌فرماید: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ.

محمدصلی الله علیه و آله وسلم فرستاده و رسول خدا و کسانی از مؤمنان که همراه او هستند، بر کافران سخت‌گیر، و در میان خود مهربان و نرم‌رفتارند. آنان را می‌بینی که با هم رکوع و سجود می‌کنند و در پرستش خدا هماهنگ هستند و روزی از معبود یگانه می‌جویند و خواستار خوشنودی او هستند و نشانه‌های ایمان از اثر سجده در چهره‌هایشان پدیدار است.

با توجه به این آیه کریمه در می‌یابیم که این شدت و سخت‌گیری در برابر دشمن و لطف و رحمت و مهربانی در برابر مؤمنین صفت پسندیده‌ای است که از رکوع و سجود این مؤمنین راستین و در رأس آن‌ها پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم حاصل شده است.

امام حسین علیه السلام در قیام کربلا این دو صفت نیکو را در بهترین وجه آن به نمایش می‌گذارد. رفتار لطیف و توأم با لطف و رحمت امام با اهل‌بیت و یارانش در هر مرحله به‌خصوص در شب عاشورا، برخورد بزرگوارانه سراسر رحمت با حر در صبح روز عاشورا به هنگام پذیرفتن اعتذار و توبه او و هم چنین بعد از شهادت وی، و نیز عکس‌العمل امام پس از شهادت هر يك از اصحاب و اهل‌بیت‌علیهم السلام مؤید این سخن خداوند است که: رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ.

امام فرزندان پیامبر رحمت است. او از هر فرصتی برای هدایت این قوم ضلالت‌پیشه استفاده کرده و آن‌ها را موعظه می‌کند تا از پرتگاه سقوط و بدبختی نجات پیدا کنند. اما وقتی که بر گمراهی و گناه و ظلم و فساد خویش اصرار می‌ورزند به قدری با شهامت و شجاعت در مقابل آنان می‌ایستند که دشمن نیروی نبرد تن به تن با امام را از دست می‌دهد؛ لذا فرمان حمله عمومی با تمام ساز و برگ جنگی و محاصره همه جانبه این امام غریب و بی‌پاور را می‌دهد ولی امام تا آخرین لحظه حیات خویش با شجاعت و مردانگی از آیین جدش دفاع می‌کند.

### تجلی نماز در نهضت عاشورا

موسی مونس‌خواه

بارها در قرآن کریم خوانده‌ایم که انبیا در انجام وظایفشان هیچ اجر و مزدی را نمی‌خواستند. آری «لا اسئلكم علیه اجرا» مرام همیشگی حضرات معصومین - از آدم تا خاتم - و انمه‌اطهار و ادامه‌دهندگان راهشان بوده و خواهد بود. پس رفتار اجتماعی معصومین‌علیهم السلام را نباید با حرکات دیگران قیاس کرد. انقلاب کربلا را نباید با انقلاب‌های دیگر مقایسه نمود. از این رو در قیام کربلا باید به چیزهایی توجه کرد که رنگ «لا اسئلكم علیه اجرا» دارد. این اصل اصیل رفتار معصومین‌علیهم السلام فروعاً و گوناگونی دارد. سرلوحه همه این فروع نماز است و به همین خاطر نماز را «عمودالدین» گفته‌اند.

نویسنده این نوشتار سعی کرده است از قیام بی‌بدیل امام حسین علیه السلام به نماز برسد و نقش نماز را در نهضت عاشورا ترسیم کند.

نویسنده، نوشته‌اش را به سه فصل و هر فصل را به چند بخش تقسیم کرده است.

فصل اول را با عنوان «دیدگاه‌های متفاوت پیرامون نهضت عاشورا و نقش نماز در آن نهضت» نوشته است. در این فصل بخشی به «مسئله انفجاری بودن قیام امام حسین علیه السلام» اختصاص یافته و در بخشی دیگر از «عامل شفقت در نهضت عاشورا» بحث شده است و در بخش سوم به «مسئله تشکیل حکومت» پرداخته و چهره این دنیایی قیام را آورده است.

فصل دوم کتاب درباره «تجلی حق و باطل در نهضت عاشورا و نقش نماز» در آن نهضت است. در این فصل بخشی تحت عنوان «عوامل چرخش از موضع حق» بررسی شده است. فصل سوم «تأثیر نماز و نقش اهل بیت امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا» مورد توجه قرار گرفته است.

۱

## بصیرت خواص در نهضت عاشورا و نقش نماز در آن

بصیرت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یارانش در نهضت عاشورا تجلی یافت، در عمل مصادیق بارز این آیه بود که:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (15)

در حقیقت مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و شك نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند، اینان راست کردارند.

قرآن در توصیف کفار و دنیاپرستان بی‌بصیرت چنین می‌فرماید:

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (16)؛ آن‌ها تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌بینند و از آخرت غافلند.

امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: فقد البصر أهون من فقد البصيرة؛ نابینایی آسان‌تر است از کوردلی. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم قبل از صدور فرمان جهاد، مسلمانان را مورد سازندگی فکری و عقیدتی قرار داد و آن‌ها را با تعلیمات اسلام آشنا نمود و در نتیجه، این عمل پیامبر موجب ایجاد بصیرت در مسلمانان گردید. متفکر شهید آیت الله مطهری رحمه الله علیه در این باره می‌گوید:

«مسلمانان در مکه تعلیمات دیدند، با روح اسلام آشنا شدند، فرهنگ اسلامی در اعماق روحشان نفوذ یافت و نتیجه این شد که پس از ورود به مدینه هر کدام يك مبلغ واقعی اسلام بودند و رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم که آن‌ها را به اطراف و اکناف می‌فرستاد، خوب از عهده برمی‌آمدند. هنگامی که به جهاد می‌رفتند می‌دانستند برای چه هدف و ایده‌ای می‌جنگند و به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام: حملوا بصائرهم علی أسيافهم... (17)؛ آنان بصیرت‌ها و اندیشه‌های روشن و حساب شده خود را بر شمشیرهای خود حمل می‌کردند. چنین شمشیرها و انسان‌های تعلیمات یافته بودند که توانستند رسالت خود را در زمینه اهداف اسلام انجام دهند.» (18)

بصیرت والایی که همه شهیدان کربلا از آن برخوردار بوده‌اند، نشان می‌دهد که حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یارانش همگی در جبهه خواص قرار دارند. و نماز با نقشی که بصیرت دارد، بی‌گمان بر خواص و عوام بودن نیز تأثیرگذار می‌باشد. از آن گذشته اقامه نماز ظهر عاشورا با آن بصیرت خود دلیل روشنی است برای این که شهدای کربلا در جبهه خواص هستند.

این بصیرت حضرت ابوالفضل علیه السلام است که درباره امام حسین علیه السلام گفت:

«... و عن امام صادق الیقینی

نجل النبی الطاهر الامینی (19)

من از امامم که یقیناً صادق است و فرزند پیامبر امین، حمایت می‌کنم.»

امام صادق علیه السلام درباره حضرت عباس علیه السلام چنین یاد می‌کند:

كانَ عَمَّا الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ... (20)؛

عموی ما ابوالفضل بصیرتی عمیق داشت.



نافع بن حلال، شب عاشورا پس از سخنان امام حسین علیه السلام برخاست و ضمن اعلام وفاداری گفت: «فانا علی نیاتنا و بصائرنا» (21)، ما همان انگیزه‌ها و بصیرت‌هایمان را داریم و از دست نداده‌ایم. پس از ماجرای عاشورا، وقتی در مسجد کوفه، به امام حسین علیه السلام توهین کردند و ابن زیاد، شهید عاشورا را دروغ گو خواند، صحابی بزرگوار و روشن دل، عبدالله بن عقیف از دی در مجلس حضور داشت، برخاست و به دفاع از اهل بیت و رد سخنان والی کوفه گفت: دروغ گو و پسر دروغ گو تو هستی و پدرت و کسی که تو را امارت و ولایت داد و پدرش؛ ای ابن مرجانه! آیا فرزندان پیامبر را می‌کشید و سخن از صداقت می‌گویید؟ (22)

این بصیرت والای حضرت علی اکبر است که می‌گوید: «اذا لا نبالی بالموت أن نموت محقین (23)؛ حال که ما بر حقیق از مرگ نمی‌هراسیم».

سردار رشید کربلا حضرت ابوالفضل علیه السلام این چنین شکوهمندانه رجز می‌خواند:

لا ارب الموت اذالموت زقی

حتی اوری فی المصالیبت لقا

نفسی لنفس المصطفی الصهر و قا

انی أنا العباس أعدو بالسقا...

از مرگ نمی‌هراسم به هنگامی که آثار آن آشکار گردد و به آن پشت نمی‌کنم تا آن زمان که خود را در میان شمشیرهای برهنه اندازم، و در بین شمشیرها پوشیده گردم، جانم فدای حسین علیه السلام که جان محمدصلی الله علیه وآله وسلم است. مرا از آن رو عباس سقا گویند که باکی از برخورد با دشمن به هنگام رویارویی ندارم.

۲

انگیزه و نیت مقدس در نهضت عاشورا و نقش نماز در آن

اولین ویژگی در قداست يك نهضت، مقدس بودن انگیزه و نیت آن است. قداست انگیزه و نیت از پاک و خالص بودن آن برای خدا سرچشمه می‌گیرد.

ارزشمند بودن جهاد آن هنگام است که برای خدا باشد؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (24)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید». نهضت عاشورا انگیزه و نیت خدایی داشت. نماز به عنوان يك فریضه بزرگ دینی بهترین و روشن‌ترین اثبات‌کننده این انگیزه الهی است. لازمه داشتن انگیزه الهی حرکت در مسیر خدا و حرکت در جهت قرب و رضایت و خوشنودی اوست؛ ارتباط با خدا و یاد او به عنوان يك نیاز فطری انسان، نیکوترین و زیباترین تأمین‌کننده این حرکت و سیر در جهت قرب و رضایت خداوند است و نماز مظهر ارتباط و پرستش و نیایش و عشق و ایمان نسبت به خداوند عزوجل است.

و از این جهت است که نماز ظهر عاشورا انگیزه پاک و الهی امام حسین علیه السلام و یارانش را بیان می‌دارد.

پس نماز با کسب نزدیکی و خوشنودی و ارتباط با خدا موجب می‌شود تا انگیزه الهی و خدایی انسان تحقق یابد. درباره این که نماز وسیله تقرب مؤمن است به خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: انَّ الصَّلَاةَ فُرْبَانُ الْمُؤْمِنِ (25)؛ همانا نماز خواندن وسیله نزدیکی مؤمن به خداست».

پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

انَّ الْمَصْلَى لَتَقْرَغَ بَابَ الْمَلِكِ وَ اِنَّهُ مِنْ يَدِمِ قَرَعِ الْبَابِ يَوْشِكُ اِنْ يَفْتَحَ لَهُ (26)؛ به درستی که نمازگزار در خانه خداوند را می‌زند و هر کس به طور پیوسته دری را بکوبد، عاقبت در به روی آن باز خواهد شد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الصلوة قربان كل تقى (27)

نماز خواندن وسیله نزدیکی به خداست برای هر شخص پرهیزگار.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ما تقرب بمثل عبادۀ الله (28)؛ هیچ صاحب قربی، به مقام نزدیکی خدا نرسیده است، مگر با عبادت.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

افضل ما یقرب الی الله بعد المعرفة به، الصلوة (29) بهترین چیزی که بنده بعد از شناخت خدا به وسیله آن به درگاه الهی تقرب پیدا می کند، نماز است.

امام جواد علیه السلام می فرماید:

ثلاث یتلغن بالعبد رضوان الله تعالی: كثرة الاستغفار و لین الجانب و كثرة الصدقة (30)؛ سه چیز است که رضوان خداوند متعال را به بنده می رساند:

۱. زیادی استغفار

۲. نرمخو بودن

۳. زیادی صدقه

امام عسگری علیه السلام نیز می فرماید:

فاذا تسلّم من صلاته، سلّم الله علیه و ملائکته (31)؛ پس زمانی که بنده نمازش را سلام داد، خدای متعال و ملائکه بر او سلام می فرستند. انگیزه الهی امام حسین علیه السلام و یارانش به طور کامل در نهضت عاشورا تجلی یافته است. به هنگامی که مروان پیشنهاد بیعت با یزید را برای امام حسین علیه السلام مطرح کرد، حضرت فرمود:

انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام سلام اذ قد بلیت الامة براع مثل یزید (32)؛ ما از آن خدایم و به سوی خدا باز می گردیم، اگر مسلمانان را رهبری هم چون یزید باشد، بایستی با اسلام وداع کرد.

عابس بن ابی شیبیب شاکری در نبرد خویش با سپاه کوفه، این گونه حمایت خالصانه و الهی خود را از اهل بیت پیامبر اظهار می کرد.

من با شمشیرم در راه شما تیغ می زنم و جهاد می کنم تا به دیدار خدا بروم و با این کار، جز به پاداش الهی چشم ندوخته ام و چیزی نمی خواهم. (33)

پسران غالب اسدی (بشر و بشیر) حکایت کرده اند که: در عصر روز عرفه نهم ذیحجه الحرام در بیابان عرفات همراه حسین علیه السلام بودیم، آن حضرت با کمال خشوع و بندگی از خیمه بیرون آمد و با جمع کثیری از اصحاب و فرزندان به دامنه چپ کوه ایستاد. صورت مبارک به جانب کعبه گرداند، دست ها را چونان مستمند ضعیفی به سوی آسمان گشود، و این دعا را قرائت فرمود:

« حمد و سپاس خدایی را که چیزی نمی تواند قضا و خواسته او را رد کند و از عطا و بخشش او جلوگیری نماید. دست او در سخاوت و کرم باز است و هر چیزی را به حکمت خویش نیکو و متقن قرار داده است، تلاش پنهان کاران بر او مخفی نیست و آن چه به او سپرده شود تباه نمی گردد؛ اوست پاداش و کیفر دهنده همه و اصلاح کننده حالات بندگان قناعت پیشه و رحم کننده ناتوانان و ضعیفان، فرود آورنده منافع و کتاب جامع قرآن نورانی و فروزان، و اوست شنونده دعاها و برطرف کننده گرفتاری ها و بالا برنده درجه نیکوکاران و کوبنده ستمگران، خدایی جز او نیست، همتا ندارد و چیزی مانندش نیست، و اوست شنوا و بینا و لطیف (34) و آگاه و بر هر چیزی قادر و توانا.

بارها! به سوی تو رو می آورم و به پروردگاری تو گواهی می دهم، اعتراف و اقرار دارم که تو پروردگار هستی، و بازگشتم به سوی توست، پیش از آن که چیزی باشم و نشانی از من باشد به نعمت بر من آغاز کردی و مرا از خاک آفریدی...

سپس مرا صحیح و سالم برای هدایتی که از پیش مقدر فرموده بودی به دنیا آوردی و مرا در گهواره که کودکی خردسال بودم حفظ کردی و از غذاها، شیر گوارا روزی ام دادی. دل پرستاران را نسبت به من مهربان ساختی، و مادران دل سوز را به تربیت من واداشتی، و مرا از شرّ و آزارهای پنهانی جن حفظ کردی و از فزونی و کاستی سالم نگاهداشتی؛ پس تو بلندمرتبه ای ای رحیم، ای رحمان؛ تا آن گاه که زبان به سخن گشودم، و تمام گردانیدی به من نعمت های کامل خود را و همه ساله مرا پروراندی تا که خلقتم کامل شد و نیرویم اعتدال یافت؛ حجت خود را بر من تمام کردی و معرفت و شناخت خود را به من الهام نمودی، و مرا به عجایب حکمت شگفت زده کردی و به آفرینش های بی سابقه ات که در آسمان و زمین به وجود آوردی هشیارم ساختی و برای سپاسگزاری و یادت آگاهم ساختی و اطاعات و پرستش خویش به من واجب کردی و آن چه پیامبرانت آوردند به من فهماندی و پذیرفتن آن چه موجب خوشنودیت می شود بر من سهل و آسان کردی و به یاری و لطفی که در همه این مراحل نسبت به من داشتی بر من منت نهادی.

بارها! راضی نشدی که برخی از نعمت ها را به من ندهی، به وجود عظیم و احسان دیرینه ات انواع خوردنی ها و آشامیدنی ها و انواع پوشش ها و لباس ها را روزی ام گردانیدی.

آن گاه که همه نعمت‌ها را بر من تمام گردانیدی و همه بلاها را از من دور گردانیدی، نادانی و نیز گستاخی‌ام بر تو بازت نداشت که مرا به موجبات قرب راهنمایی کنی و به آن چه مرا در نزد تو جا می‌دهد موفق گردانی. خدایا! کدام یک از نعمت‌هایت را بر شمرم و یاد کنم یا به شکر کدامیک از عطایای تو بپردازم در حالی که نعمت‌ها و عطایای تو بیش از آن است که شمارندگان بتوانند آن‌ها را بشمارند یا حسابداران بتوانند به آن علم پیدا کنند. اضافه شدت‌ها و ناراحتی‌ها و بلاهایی که از من دور داشتی افزون‌تر از سلامتی و عاقبت و راحتی‌هایی است که برای من آشکار است.

خدایا! من تو را به حقیقت ایمانم و... گواه می‌گیرم، و اگر به فرض در همه عصرها و زمان‌ها زنده بمانم و در صدد برآیم و بکوشم که شکر یکی از نعمت‌هایت را به جا آورم توانایی آن را ندارم، مگر تو بر من منت نهی که خود موجب شکر جدید و ثنای تازه‌ای خواهد گردید...

بارالها! مرا چنان کن که از تو آن چنان ترسم که گویی تو را می‌بینم و مرا به نعمت تقوی و پرهیزگاری سعادتمند گردان و به سبب ارتکاب معصیت و نافرمانی بدبختم نگردان.

بارالها! نیازمندی را در نفس و جانم، و یقین را در دلم و اخلاص را در علمم، و روشنی را در دیده‌ام، و بصیرت و بینایی را در دینم، قرار ده و مرا به اعضا و جوارحم بهرمند گردان...  
بارالها! اگر نعمت‌های وجود و بخشش‌های گرانمایه‌ات را بر شمرم نمی‌توانم.

مولای من، تویی که کرم کردی

تویی که نعمت دادی

تویی که نیکی کردی

تویی که به فضیلت رفتار کردی

تویی که بخششت را به کمال رساندی

تویی که روزی دادی

تویی که توفیق عنایت فرمودی

تویی که عطا کردی

تویی که بی نیاز گردانیدی

تویی که پناه دادی

تویی که مهمات مرا کفایت فرمودی

تویی که هدایت کردی

تویی که ما را از لغزش‌ها و خطرها حفظ کردی

تویی که پرده‌پوشی نمودی

تویی که آمرزیدی

تویی که عفو کردی

تویی که یاری کردی

تویی که نیرو بخشیدی

تویی که نصرت نمودی

تویی که شفا بخشیدی

تویی که عاقبت دادی

تویی که گرامی داشتی

تبارکت ربی و تعالیت فلك الحمد دائماً و لك الشکر واصباً؛ بزرگی و والایی، ای پروردگار من، حمد و ثنا تا به ابد مخصوص توست و همیشه و همواره برای توست.

پس آفریدگارا به عصیانم معترفم؛ مرا ببخش و از گناهم در گذر. (35)

امام امت در مورد برافروخته شدن چهره سیدالشهدا در روز عاشورا - هر چه به ظهر عاشورا نزدیک‌تر می‌شد - می‌فرماید:

« برای این که می‌دید جهاد در راه خداست و برای خداست و چون جهاد برای خداست، عزیزی که از دست می‌دهد، از دست نداده است، این‌ها ذخایری هستند برای عالم بقا.» (36)

اهل بیت امام حسین علیه السلام که نهضت عاشورا را به ثمر رساندند با خطبه‌ها و سخنرانی‌هایی که ایراد فرمودند و با افشاگری‌هایی که انجام دادند و با آگاهی دادن مردم از ماهیت زشت و پلید یزید و دستگاه او و تقبیح کارهای آنان نقش بسیاری در پشیمان کردن مردم از یاری و حمایت نکردن از امام حسین علیه السلام ایفا نمودند. به گونه‌ای که پس از حادثه کربلا مردم از خواب غفلت بیدار شدند؛ اشک‌های بسیاری در شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش ریختند، بسیار شیون و ناله کردند و حسرت و ندامت ریختند، این عده که از عدم یاری امام علیه السلام نادم و پشیمان شده بودند و به گناه بزرگ خود آگاهی پیدا کرده بودند جهت جبران آن تصمیم گرفتند از قاتلان امام انتقام بگیرند و در این راه کشته شوند تا از معصیتی که بدان دچار شده‌اند، پاک شوند. در نتیجه، نهضت توابین شکل گرفت. از این‌جا معلوم می‌شود که اهل بیت علیهم السلام با افشاگری‌های خود نقش بسیاری در شکل‌گیری نهضت توابین داشته‌اند. نماز ظهر عاشورا چون زمینه‌ساز افشاگری اهل بیت علیهم السلام است در نتیجه زمینه‌ساز شکل‌گیری نهضت توابین نیز می‌باشد. در رأس نهضت توابین سلیمان بن صرد که از بزرگان شیعه و از صحابه رسول خدا بود، قرار داشت.

سلیمان بن صرد، از چهره‌های برجسته و سرشناس شیعه در کوفه و از بزرگان طایفه خودش به شمار می‌رفت و قدر و منزلتی عظیم داشت. نامش در جاهلیت یسار بود: نام سلیمان را پیامبر اسلام بر او نهاد. کنیه‌اش ابوالمطرف بود و از اصحاب پیامبر محسوب می‌شد و در جنگ صفین و در جنگ‌های دیگر نیز در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود. از اولین مسلمانانی بود که ساکن کوفه شد. وی از کسانی بود که پس از مرگ معاویه، به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و از آن حضرت خواست که به کوفه بیاید. در حرکت مسلم بن عقیل، فعالیت داشت اما ابن زیاد او را در کوفه به زندان افکند. از این رو توفیق شرکت در حماسه عاشورا را نداشت.

پس از حادثه کربلا که کوفیان از کوتاهی خود در یاری امام حسین علیه السلام پشیمان شده بودند، وی رهبری نهضت «توابین» را بر عهده گرفت. با هم پیمانان خود، در سال 65 هجری قیام کردند. شعار توابین «یا لثارات الحسین» (37) بود. او را «امیرالتوابین» نیز می‌گفتند. سرانجام در درگیری با سپاه ابن زیاد در «عین‌الورده» همراه با جمعی از یارانش شهید شد. بعضی نیز شهادتش را در درگیری با نیروهای اعزامی از شام که به حجاز آمده بودند دانسته‌اند. سلیمان بن صرد، هنگام شهادت 93 سال داشت. پس از شهادت، سر او را نزد مروان حکم در شام بردند. (38)

سطری از آسمان

مجید یعقوبی

«سطری از آسمان» نام لطیفی بر «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» است. نوشته‌های زیبا و مختصر! گویی نویسنده در قلم‌پردازی‌اش به آسمان رفته و قطعه‌ای از آن را با خود آورده است. این گونه قلم‌پردازی تنها از مطالعه زیاد کتاب حاصل می‌آید. آقای مجید یعقوبی نوشته‌اش را در هفت فصل مختصر سامان داده است! گاه از «شایسته‌سالاری و نقش نماز در شایستگی‌ها» سخنی گفته است و گاه از «اعتدال و نماز»، «نماز و فلسفه آفرینش»، «نماز و بهداشت روانی»، «نماز و وحدت»، «نماز و نظم»، و «نماز و وفای به عهد» گفت‌وگو کرده است. چند نمونه از نوشته‌های ایشان را در پی می‌آوریم:

یکی از درس‌هایی که در بطن نماز، این آیین پاکان، وجود دارد، همین «شایسته‌سالاری» است. نمازگزار در برگزیدن امام جماعت، این درس را می‌آموزد و تجربه می‌کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید:

اگر می‌خواهید نمازی پاک و پاکیزه داشته باشید، برگزیدگان خود را مقدم دارید. (39) امام‌رضاعلیه السلام می‌فرماید:

لا صلاة خلف الفاجر.

نماز، پشت سر انسان فاجر، نماز نیست. (40)

ابوذر علیه السلام می‌فرماید:

ان امامك شفيعك الى الله، فلا تجعل شفيعك سفیها و لا فاسقا

امام جماعت تو، شفیع توست. در پیشگاه خدا، هیچ‌گاه، شخص نادان و فاسق را، شفیع خود قرار مده. (41)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی دیگر نیز، می‌فرماید:

امام القوم وافد هم الى الله فقدموا افضلکم

امام جماعت هر گروه، سفیر آن‌هاست به سوی خدا، پس فاضل‌ترین افرادتان را مقدم دارید. (42)

وقتی فلسفه سیاسی یونان باستان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم به نوعی سیستم حکومتی به نام «آریستوکراسی = گزینش بر اساس فضیلت» برمی‌خوریم، که «ارسطو» در مقابل سیستم حکومتی «اولیگارش» که «گزینش بر اساس ثروت» است آن را ارائه کرد.

در فلسفه سیاسی چین باستان، به ویژه در فلسفه کنفوسیوس نیز، توجه خاص به نوعی حکومت، یعنی حکومت با فضیلت‌ترین مردمان به‌عنوان بهترین نوع حکومت دیده می‌شود. (43)

به امید آن روز که این آرزوی فلاسفه، به یاری آیین پاک نماز، از يك ثنوری، به يك واقعیت ملموس در جوامع تبدیل شود و همه ما، این سخن امام علی علیه السلام را در ژرفای وجودمان زمزمه کنیم:

قيمة كل أمرئ ما يحسنه

ارزش هر کس همسنگ کاری است که انجام دادنش را به نیکویی می‌تواند. (44)

آیین پاک، در دو چهره خویش، درس «میانروی» را به «نمازگزار» می‌آموزد:

الف. میانروی در مدت زمان نماز

امام‌علی علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر نخعی می‌فرماید:

و اذا قمت فی صلاتك للناس، فلا تكونن منفراً و لا مضیعاً

ای مالک! هنگامی که امام جماعت مردم می‌شوی، باید دقت نمایی که نماز تو نه مردم را فراری دهد و نه این که

حق نماز را ضایع گرداند. (45)

امام صادق علیه السلام نیز به یکی از یاران خویش، به نام ابوبصیر فرمود:  
فاذا قام احدکم فليعتدل

هر گاه يك نفر از شما، به نماز ایستاد، اعتدال و میانه‌روی را مراعات کند. (46)

ب. میانه‌روی در چگونگی خواندن اذکار

خداوند بزرگ، در سوره اسراء، آیه 110 می‌فرماید:

ولا تجهر بصلاتك و لا تخافت بها و ابتغ بين ذلك سبيلاً

و نمازت را زیاد بلند و آهسته نخوان و در میان این دو، راهی [معتدل] انتخاب کن.  
و در تفاسیر ذیل این آیه آمده است:

این باید الگویی باشد برای همه اعمال ما و تمام برنامه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، باید همه این‌ها دور از افراط‌کاری‌ها و تندروی‌ها، و تقریطکاری و مسامحه و سهل‌انگاری باشد و اصل اساسی «و ابتغ ذلك سبيلاً» که در آیه فوق آمده، همه جا رعایت گردد. (47)

و بجاست ما در هر يك از نمازهای پنجگانه درس میانه‌روی را از نو مشق کنیم، که درس مهم در زندگی ماست و به این حدیث پیامبر، گوش فرا دهیم: «خیر الامور اوسطها».

که آن را عطار نیشابوری، در مصیبت‌نامه (48)، این گونه می‌سراید:

نه به نزدیک آی و نه می‌باش دور

در وسط رو، تا بود خیر الامور

۳

نماز و فلسفه آفرینش

خداوند، آن گاه که در سوره بقره، آیه 3، از يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ سخن می‌راند، بدون هیچ مکث و فاصله‌ای، از يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ نام می‌برد:

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

آری: نماز «تذکری» است که انسان را از «فراموشی نفرت‌بار» می‌رهاند، و همیشه «ریسمان پیوند» بین «انسان» و «غیب» است.

امام رضا علیه السلام در پاسخ نامه‌ای که در آن، از «فلسفه نماز» سؤال شده بود چنین فرمود:

... «و نیز هدف این است که انسان همواره هشیار و متذکر باشد، گرد و غبار فراموش‌کاری بر دل او ننشیند.» (49)

و در سوره طه، آیه 14، آمده است:

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

نماز را به پای دار، تا به یاد من باشی.

و امام رضا علیه السلام در سخنی دیگر، درباره «فلسفه وجوب نماز» می‌فرماید:

لئلا ينسى العبد سيده و مدبره و خالقه.

نماز واجب گردید که بنده، آقا و مدبر و خالقش را فراموش نکند. (50)

۴

نماز و بهداشت روان

نماز، معجون بکری از زیباترین «نیکی» هاست:

## الصلوة خیر موضوع

رسیدن به «قله» پاکی‌ها، از گذرگاه «نماز» عبور می‌کند.

اکنون، رابطه «نماز» و «بهداشت روان» را، در دو عنوان بررسی می‌کنیم:

الف: نماز، بهداشت روان و برخورد با شکست‌ها

چنان که پیش از این گفتیم، آن چه «انسان» را در برابر «شکست در موضع‌گیری‌ها»، «پایداری» می‌آموزد،

ارتباط او با «ملکوت» است و نماز، بهترین نردبان اتصال به «عالم بالا» است:

الصلاة معراج المؤمن

آن گاه که به وسیله نماز، «روح» به «بینهایت مطلق» پیوند خورد، هیچ شکستی را یارای آن نیست، که موجبات

«زردی رنگ» شود.

در آیات قرآنی، تجلی این موضوع را می‌بینیم:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا... الْإِنَّمَانِيُّ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (معارج/ 23-19)

به تحقیق، انسان مخلوقی حریص است، چون شر و زبانی به او رسد، سخت جزع و بی‌قراری می‌کند... جز آنان

که با نماز پیوند دارند، آنان که در نمازشان دوام دارند.

در سیره معصومین ما نیز آمده است که هنگام برخورد با شکست‌ها و رویارویی با سختی‌ها، به «نماز» پناه

می‌بردند:

از امام‌صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: هنگامی که با غمی از غم‌های دنیا روبه‌رو می‌شوید، وضو گرفته، به

سجده بروید، نماز بخوانید و دعا کنید، زیرا خداوند دستور داده است:

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ (51)

در کتاب «کافی» از امام‌صادق علیه السلام می‌خوانیم:

كان علي عليه السلام إذا أهاله أمر فزع قام إلى الصلوة ثم تلا هذه الآية واستعينوا بالصبر والصلوة.

هنگامی که مشکل مهمی برای علی علیه السلام پیش می‌آمد، به نماز برمی‌خاست، سپس این آیه را تلاوت می‌فرمود

«از صبر و نماز، استعانت بجویید.» (52)

ب: نماز، بهداشت روان و شادی

در سخنان پیشین آوردیم، «شادی» در «پدید آمدن» و «قوام» پاکیزگی روانی، نقشی مهم دارد و از عوامل و

اسباب «برانگیزاننده شادی» نام بردیم.

نماز، این آیین پاکان نیز، با توصیه نمازگزار به بهرمجویی از عوامل «فرح‌انگیز» و «شادی‌آور»، در راه

استقرار «بهداشت روان» نیز، گام برمی‌دارد:

۱. خودآرایی

امام‌علی علیه السلام می‌فرماید:

زن، بدون زینت نماز نخواند. (53)

و نیز آورده‌اند:

امام چهارم علیه السلام هنگامی که برای خواندن نماز آماده می‌شد، بهترین لباس‌های خود را در بر می‌کرد. بعضی

سؤال می‌کردند چرا شما، بهترین لباس‌تان را در این موقع می‌پوشید؟

می‌فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ»

و من برای خدا، جامه‌های خوبم را می‌پوشم، و خدا فرموده است:

خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ. (54)

۲. بوی خوش

امام‌صادق علیه السلام می‌فرماید:

دو رکعت نماز با بوی خوش بهتر و افضل است از هفتاد رکعت نماز، بدون بوی خوش. (55)

همچنین در روایات آورده‌اند:

امام چهارم در جای نمازشان، شیشه عطری گذارده بودند که هر گاه می‌خواستند نماز بخوانند، خود را با آن

خوش‌بو می‌کردند. (56)

نماز جمعه و نماز جماعت دو نماد عینی نماز است، که درباره جایگاه و ارزش آن، تنها به دو حدیث بسنده می‌کنیم:

#### ۱. نماز جمعه

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ولا تسافر فی یوم جمعه حتی تشهد الصلاة الا فاصلاً فی سبیل الله

روز جمعه - پیش از حضورت در نماز جمعه - مسافرت مکن، مگر انگیزه و هدف سفرت الهی باشد. (57)

#### ۲. نماز جماعت

امام صادق علیه السلام در پاسخ شخصی که از ایشان می‌پرسد: که نماز فرادی، در مسجدی که ثواب هر رکعت آن معادل هزار رکعت نماز است، بهتر است یا نماز جماعت در مسجد محلی که از امتیاز کمی برخوردار است؟

امام می‌فرماید: «نمازت را با جماعت بخوان.» (58)

نماز جمعه و جماعت، تمرین مداوم «اتحاد» و «برادری» در قلب حیات دینی و معنوی است.

مسلمانان، با هر عقیده‌ای که دارند، با هر اندیشه‌ای که در سر می‌پرورانند - که ممکن است، حتی با یکدیگر متضاد باشد - دوشادوش هم به نماز می‌ایستند، تا متذکر شوند اختلاف اندیشه‌شان، به معنای در هم شکستن «اتحاد» بین آن‌ها نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در سخنی گهربار، به نقش «نمازهای جماعت» در «آفرینش وحدت» اشاره می‌کند:

يا ايها الناس اقيموا صفوفكم، و امسحوا ب مناكبكم لئلا يكون بينكم خلل و لا تخالفوا فيخالف الله بين قلوبكم. (59)

ای مردم صف‌هایتان را منظم کنید و دوش به دوش هم بایستید تا فاصله و جدایی خللی میان شما نباشد، و نامرتب نباشید وگرنه خداوند دل‌های شما را از یکدیگر دور می‌گرداند.

از سویی دیگر، این «سنت وحدت‌آفرین» را موجب «نومیدی شیاطین» از «پیروان دین» معرفی می‌کند:

سووا بين صفوفكم، و حاذوا بين مناكبكم لا يستحوذ عليكم الشيطان

میان صف‌ها را پر کنید، دوش به دوش یکدیگر بایستید تا شیطان بر شما غلبه نکند. (60)

در بعضی تفاسیر نیز، در پاسخ به این پرسش که:

اگر به هر سو رو می‌کنیم، خدا آن‌جاست:

فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ (بقره/ 115)

پس توجه به قبله، چه لزومی دارد؟

آمده است:

«توجه به قبله، هرگز مفهومش محدود کردن ذات پاك خدا در سمت معینی نیست، بلکه از آن جا که انسان يك

وجود مادی است و بالاخره باید به سویی نماز بخواند، دستور داده شده است که همه به يك سو نماز بخوانند، تا

وحدت و هماهنگی در صفوف مسلمین پیدا شود و از هر ج و مرج و پراکندگی، جلوگیری به عمل آید.» (61)

پس می‌بینیم، بعضی از اندیشمندان، «فلسفه قبله» را نیز، «وحدت» و «یکرنگی و یکدلی» تفسیر کرده‌اند.



نماز، این سنت شایستگان، درس «وفای به عهد» را در بطن آسمانی خویش دارد. «دین» پیمان‌نامه‌ای است که «انسان» با «خدا»ی خویش «امضا» می‌کند، که به «واجبات» بپردازد و از «محرمات» بپرهیزد، و «نماز بزرگترین واجبات» است: الصلاة عمودالدین.

«ادای نماز» در «ابتدای وقت خویش»، تمرین مداوم «وفای به عهد» «پایمردی بر سر پیمان‌ها» است، که در آیین ما، بسیار به آن توجه شده است: از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم پرسیدند: «از کارها کدام افضل‌تر است؟» گفت «نماز به وقت خویش به پای داشتن.» (62)

حضرت امیرعلیه السلام در نامه‌ای به محمدبن ابی‌بکر، آن گاه که او را، والی مصر قرار داد، در سخنانی، از سویی او را دعوت به «دین‌داری» می‌کند، و از سویی دیگر به «تربیت سیاسی» دست می‌زند، تا درس «وفای به پیمان‌ها» را به خوبی به او بیاموزد:

صل الصلاة الموقت لها، و لا تعجل وقتها لفراغ، و لا تؤخرها عن وقتها لاشتغال. هر نمازی را در وقت خاصش که مقرر شده است، به جای آر، نه در موقع داشتن وقت آزاد زودتر از وقتش بگزار، و نه به دلیل درگیری‌های دیگر از وقت مقرر به تأخیر انداز. (63)

#### تأثیر نماز در مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میثم شرفی

داوری در مورد نوشته آقای میثم شرفی بسیار سخت است چرا که بدون هیچ مقدمه و ارائه فهرست مطالب و حتی شماره‌گذاری صفحات، دست به قلم شده است و تراوشات ذهنش را به رشته تحریر درآورده است. البته نباید منکر شد که به موضوع بسیار مهم «تأثیرگذاری نماز در مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی» پرداخته است و انصافاً از قلم خوبی برخوردار است و در جای‌جای نوشته از آیات و روایات بهره جسته است. البته ایشان باید صبورانه و با مطالعه بیشتر کار نوشتن و کتابت را ادامه دهند؛ آن گاه خواهد توانست به قله رفیع نگارش و نویسندگی نزدیک شود.

نمونه‌ای چند از نوشتارش بدین قرار است:

۱

پایبندی به رعایت حقوق دیگران

دین اسلام می‌گوید: آبی که با آن غسل می‌کنی و یا وضو می‌گیری، محلی که آب غسل و وضویت در آن می‌ریزد، لباسی که با آن نماز می‌خوانی، فرشی که زیر پای توست، مکانی که در آن نماز می‌گزاری و تمامی آن چه که با نمازت ارتباط دارد، باید مباح باشد و حرام نباشد. حتی اگر يك نخ غصبی هم در لباست باشد، نمازت پذیرفته نیست. این دستور، اجرای يك برنامه تربیتی مربوط به حقوق اجتماعی دیگران در بیکر نماز است زیرا اگر این شرط را برای آن مقرر نمی‌کردند، هیچ ضربه‌ای بر نماز از آن جهت که عبادت است، وارد نمی‌آمد.

خدای تعالی، در آخرین آیه از چهل و هشتمین سوره قرآن فرمود: **مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا... (64)** این آیه، برخی از صفات مؤمنان عهد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را برای ما ذکر می‌کند. آنان نسبت به کافران سخت و خشن و در میان خود نرم و مهربان بودند. با یکدیگر رکوع و سجود می‌کردند، از فضل و احسان خدا سود می‌جستند و خوشنودی او را طلب می‌کردند.

صفحات مذکور در آیه فوق، يك مجموعه است و به هم مربوط است. مردمی که از فضل و بخشش خدا سود نمی‌جویند و خوشنودی او را نمی‌طلبند بلکه از زیرکی خود بهره می‌جویند و در معاملات و روابط اقتصادی و مالی خود، جانب انصاف و خوشنودی حق را نگه نمی‌دارند، رحمت و رأفت بین خود و اتحاد اجتماعی خود را از بین می‌برند و در مقابل دشمنان، ناتوان می‌گردند. نقش نماز حقیقی در ایجاد ارتباط با خدا و رعایت انصاف و کسب حلال و در نتیجه ایجاد يك نظام اقتصادی سالم بر کسی پنهان نیست.

### پیدایش روح رحمت و رأفت در اجتماع

نماز، سبب می‌شود که در روابط خود با دیگران، اساس کار را بر رحمت قرار دهیم و خشم و غضب را برای موارد استثنایی بگذاریم، چنان که خدای تعالی، رحمان و رحیم است و رحمتش بر غضبش پیشی گرفته است. با توجه به آن که خدا هم رحمت و اسعه دارد و هم رحمت خاصه و در نماز، بارها رحمان و رحیم بودنش را یاد می‌کنیم، این تعلیم اجتماعی را از نماز می‌گیریم که نسبت به همه انسان‌ها؛ یعنی خواهران و برادران هم‌نوع خود رحمت عام داشته باشیم و به یکدیگر مهر بورزیم و نسبت به همه مسلمانان و برادران و خواهران خود، رحمت خاص نشان دهیم.

در آیه بیست و نهم از سوره مبارکه فتح خدای تعالی، برخی از اوصاف برجسته پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و مؤمنانی را که ملازمان حقیقی و تربیت‌شدگان او بودند، ذکر فرموده است:

**مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ. (65)**

یعنی فرستاده خدا، محمد و کسانی که همراه او هستند، بر کافران، سخت‌گیر و خشن و در میان خود، مهربان و نرم‌فشارند. آنان را می‌بینی که با هم رکوع و سجود می‌کنند و در پرستش خدا هماهنگ هستند. روزی، از معبود یگانه می‌جویند، خواستار خوشنودیش هستند و نشانه‌های صلاحشان از اثر سجده در چهره‌هایشان پدیدار است.

از این آیه به دست می‌آید که اوصاف نیکوی مؤمنان، مجموعه به هم پیوسته‌ای است که به سلامت جامعه منتهی می‌گردد. همراهی با رهبر و پیروی از او، رحیم بودن نسبت به هم‌نوع مسلمان، شدید بودن نسبت به دشمنان دین، رکوع و سجود در برابر پروردگار، کار و کوشش برای کسب حلال و درآمدی که آن را بتوان فضل خدا شمرد، و درخواست خوشنودی کردگار، همه به هم مربوطند. ادامه این آیه، به ما می‌گوید که همین صفات ارزنده بود که موجبات رشد و شکوفایی و استواری جامعه نوپای اسلام را فراهم کرد.

مطمئناً این ویژگی‌ها بود که موجب بالندگی و استقامت جامعه مسلمانان شد، به ویژه از نماز که باید آن را زمینه‌ساز صفات نیکوی دیگر به حساب آورد از آن که خیر العمل است. آیه «ثَرِيهُم رُغَةً سُجَّدًا»: «آنان را راکع و ساجد می‌بینی» نشان می‌دهد که همه این صفات را باید از ناحیه رکوع و سجود آنان در برابر آفریدگار ببینیم. اگر از رهبر اطاعت می‌کنند، آن را از نماز آموخته‌اند. اگر رحیم و شدیدند، از نماز است، اگر در پی روزی حلال‌اند و به خاطر حرام در جامعه ایجاد کدورت و بی‌نظمی و ناامنی نمی‌کنند و دچار قساوت قلب نمی‌گردند، از نماز است. اگر رقیق‌القلب و اهل رحمت‌اند و مهر و مودت را در میان خود نگه می‌دارند، از نماز است. اگر آماده جانبازی در راه خدا و کشور هستند، به خاطر محبت به خدا و حفظ ارتباط با او از طریق نماز است. اگر از رهبری اطاعت و پیروی می‌کنند و در نتیجه، یکپارچگی، توان و امنیت جامعه‌ای محفوظ می‌ماند، از نماز است. اگر به سلامت اعتقادی و اجتماعی می‌رسند، از نماز است.

مسلمانان در پایان نماز هدف خود را از نماز اعلام می‌دارند، می‌گویند: صلح طلبیم نه جنگ‌طلب. با همه بندگان صالح خدا در حال صلح و آشتی هستیم.

در سلام می‌گوییم:

السَّلَام عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

یعنی: ما با هیچ بنده‌ای از بندگان صالح خدا سر جنگ و ستیز نداریم و همه را دوست داریم. ملاحظه می‌فرمایید که شارع مقدس اسلام، چگونه برنامه‌های تربیتی، اجتماعی خود را در پیکر نماز قرار داده است و آن‌ها را از طریق این برنامه شبانه‌روزی به اجرا در می‌آورد. آیا بر چنین شریعت و چنان برنامه‌هایی آفرین نباید گفت؟!

۴

نتیجه یکرنگی و اتفاق و پایان سرسختی و افتراق

امام علی علیه السلام خطاب به کوفیان فرموده‌اند: پس در حالات گذشتگان و مؤمنان پیش از خودتان نیک بنگرید، چگونه بودند زمانی که گروه‌ها، گرد هم آمده (خُلُق و خواها موافق و مجتمع)، خواهش‌ها سازگار، دل‌ها راست، (آرا همگون)، دست‌ها پشت سر هم، شمشیرها یار یکدیگر، نیایش‌ها و بینش‌ها، فرو رونده و ژرف‌نگر، و اراده‌ها، یکی و تصمیم‌ها هماهنگ بود؟

(آیا) به سبب این بینش و اتحاد، خداوندان قدرت سرزمین‌ها و مالک گردن‌های مردم دنیا نبوده‌اند؟ حال، به آن چه در پایان کارهایشان به سوی آن گرویدند، خوب بنگرید، هنگامی که جدایی پیش آمد، پیوستگی و سازگاری، پراکنده گردید، و سخن زبان‌ها و اعتقاد دل‌ها دوگانه گشت، چون ستیزیدند، گروه‌گروه شدند، و چون جنگیدند، پراکنده شدند، در نتیجه، خدا جامه شرافتی را که به آنان اعطا کرده بود از تنشان بر کند و خوشی و فراوانی نعمت خود را از آنان ربود، و داستان‌ها و سرگذشت‌هایشان برای پند پذیرانتان در میان شما بر جا ماند. (66)

نقش نماز در اصلاحات اجتماعی

سیدحسین حسینی جبلّی

اگر آدم، تربیت صحیح شود، جامعه اصلاح می‌شود و در جامعه اصلاح شده، آدم‌ها وارسته و اهل تربیت می‌شوند. حالا باید دید دین از منظر نماز انسان‌ها را چگونه می‌خواهد بسازد و تربیت افراد نمازگزار چه تأثیری در جامعه و روند تکامل جمع می‌تواند بر جای بگذارد.

راستی مصلحان حقیقی چه کسانی هستند؟ متدینین به مکتب آسمانی هستند و یا منکران مکاتب الهی؟ از نمازگزارانند یا بی‌نمازانند؟

نویسنده در نوشتارش به مسأله «تأثیرگذاری نماز در اصلاح اجتماع» پرداخته است که پس از مقدمه‌ای کوتاه در سه فصل قلم زده است. در فصل اول از نمازگزار به عنوان مصلح اجتماعی یاد کرده است و نماز را مانع صفات رذیله اخلاقی و امر به فضایل انسانی معرفی نموده است. نمازگزار که «رعایت حقوق مردم» و «رعایت امانت» و «وفای به عهد» و «راستی» و «ادای شهادت حق» را در سرلوحه وظایفش قرار داده است.

در فصل دوم آثار فرهنگی به جا آوردن نماز و تأثیری که در محیط خانواده و ابعاد سیاسی و اجتماعی رفتار آدمی دارد مورد ارزیابی قرار گرفته است.

آخرین فصل نوشتار به نماز و حکومت اجتماعی و «نماز و اشتغال» اختصاص یافته است. نمونه‌هایی چند از این نوشته به قرار ذیل می‌باشد:

۱

نماز، ضد منکرات

نماز، که سمبل عبادات و در رأس همه آنهاست، در وجود انسان، با ساختن دژ مستحکم ایمان و عمل به آن پیوندی ناگسستنی بین خالق و مخلوق ایجاد می‌کند. اما، آیا این پیوند و صفای باطنی انسان، می‌تواند نقشی در کاهش هوس‌های نفسانی وی و اصلاح درونی فرد نمازگزار داشته باشد؟ و اگر می‌تواند، چگونه؟

قرآن فلسفه واضحی از تأثیر نماز را بیان می‌دارد:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ. (67)

علامه طباطبایی، در کتاب تفسیر المیزان، در ذیل این آیه می‌نویسد، و خواهی گفت، چه‌طور نماز فحشا و منکرات را نهی می‌کند؟ در جواب می‌گوییم: این عمل، مخصوصاً که بنده خدا آن را در هر روز پنج بار به جا بیاورد و اگر آن را همه روزه، در جامعه‌ای صالح به جا بیاورد، طبعاً با گناهان کبیره سازش ندارند. پس اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند، و در انجام آن تا حدی صداقت داشته باشد، این ادامه در مدت کوتاه به طور مسلم، باعث می‌شود که پرهیز از فحشا و منکر در نهاد او ملکه شود.

طبیعت نماز، از آن جا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد و دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است، بدون شک در قلب و روح او جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا باز می‌کند. انسانی که به نماز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید و خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می‌داند.

هر نماز به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است، نهی از فحشا و منکر می‌کند، گاه نهی کلی و جامع و گاه نهی جزئی و محدود. ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ‌گونه تأثیری در او باقی نگذارد، هر چند نمازش صوری باشد؛ هر چند آلوده به گناه باشد.

از آن جمله، امام‌صادق علیه السلام می‌فرمایند: من احبَّ ان يعلم اقبلت صلوته ام لم تقبل فلینظر منعت صلوته عن الفحشاء و المنکر؟ فبقدر ما منعه قبلت منه؛ کسی که دوست دارد ببیند آیا نمازش مقبول درگاه الهی شده یا نه، باید ببیند آیا این نمازش او را از زشتی‌ها و منکرات باز داشته یا نه؟ پس به همان مقدار که باز داشته، نمازش مقبول است.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم چنین می‌خوانیم که جوانی از انصار، نماز را با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ادا می‌کرد اما با این حال آلوده به گناهان و زشتی بود. این ماجرا را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عرضه داشتند. فرمود: ان الصلوة تنهاه یوماً سرانجام نمازش روزی او را از این اعمال زشت پاک می‌کند. (68)

«در توضیح این بخش از آیه شریفه (و لذكر الله اكبر) دو گونه روایت نقل شده است: یکی این که گرچه نماز بسیار مهم است، ولی مهم‌تر از آن، این است که در مکتب نماز و بر اثر اقامه آن حالتی برای انسان ایجاد می‌شود که هنگام مواجهه با گناه او را به یاد خدا می‌اندازد. آری یاد خدا به هنگام نماز مهم است ولی مهم‌تر از آن یاد خدا

به هنگام گناه است. که این خود اثر نماز است. روایت دیگر بیانگر این مطلب است که همان گونه که شما به یاد خدا هستید، خدا بیش‌تر به یاد شماست. با اندک تأملی در مجموعه پرونده کسانی که مرتکب جرمی شده‌اند به آسانی می‌توان دریافت که درصد بی‌نمازها، بیش‌تر از نمازخوان‌هاست».

«پس انسانی که نماز را با توجه به معنی و خشوع قلب بخواند، جنبه سازندگی‌اش آن چنان قوی است که انسان را خود به خود از رذایل و گناهان باز می‌دارد. نماز به منزله پاسداری است که با گفتار خود از انحراف مردم جلوگیری می‌کند و از فحشا و منکر باز می‌دارد، زیرا نماز مرکب از تکبیر و تسبیح و تهلیل و قرائت و در مقابل خداوند قهار به بندگی ایستادن است.» (69)

فطرت انسان یا جان سخن‌گو و نفس ناطقه‌اش هم، خواه ناخواه،

طالب خوبی‌هاست، زیرا که کمال‌جویی از ویژگی‌های فطری بشر است و هرگز در او از بین نخواهد رفت.

خرد دوست جان سخن‌گوی توست

که از نیک شاد است و از بد دُرم

پس شکی نیست که میان طبیعت نماز و طبیعت فحشا و منکر، ناسازگاری کامل وجود دارد. و این دو با هم در ستیزند، حال، در این رویارویی، اگر نماز نیرو بگیرد، گناه ناتوان خواهد شد و به عکس هر کدام رو به کمال بگذارند، دیگری رو به ضعف خواهد رفت و کمال‌یافتگی یکی، باعث سیر قهقرایی و نابودی دیگری خواهد شد. پس نهی تکوینی نماز، حاصل همان تضاد طبیعی است که با فحشا و منکر دارد و اگر گناه از نماز منع می‌کند آن هم نتیجه همین تضاد طبیعی است.» (70)

«پس اهتمام به نماز، اهتمام برای جلوگیری از به وجود آمدن گناه، مفاسد و تخطی‌ها در جامعه است. این است که سرمایه‌گذاری برای ترویج نماز را باید در ابعاد گسترده‌تری ارزیابی کرد. یعنی سرمایه‌گذاری برای ترویج نماز، باعث می‌شود که سرمایه‌های کمتری برای تأسیس زندان، تشکیل دادگاه‌ها و رسیدگی به پرونده‌ها و امور انتظامی صرف شود. چون با ترویج نماز، انگیزه‌های درونی، ایمان به غیب و مانع و رادع درونی، که همان تقوا باشد، در یکایک مردم ایجاد می‌کنیم و آن‌ها به علت ایمان از ارتکاب به گناه خودداری می‌کنند. وقتی نماز در جامعه گسترش پیدا کند چنین اثرهای بهداشتی و روانی در عالم ارزش‌ها دارد. پس ما هم باید ترویج نماز را بر سایر کارهایی که می‌خواهیم برای پیشگیری از مفاسد و مبارزه با مفاسد یا مجازات مجرمان انجام دهیم، مقدم بدانیم.» (71)

جوامع امروز بشری، بیش از آن که نگران مرزهای جغرافیایی باشند، دلواپس شکست حریم ارزش‌ها، باورها، فرهنگ و اندیشه‌های خود هستند. هر از چند گاهی، گردبادی هولناک، آموخته‌ها و اندوخته‌های يك ملت را تهدید می‌کند و بین يك نسل و سرمایه‌های گذشته‌اش فاصله می‌افکند.

نسل جوان، تجلی‌گاه توانمندی و تکبیه‌گاه بزرگ هر ملت و انقلاب برای حرکت است. بازوی قوی فعالی است که حذف آن‌ها از صحنه فرهنگ، اجتماع، بازار و... سرگرم ساختن آن‌ها و فریب دادنشان با وسائل پوچ دقیقاً مساوی است با خلع سلاح جامعه. و بهترین وسیله برای هدایت جوانان به سمت معارف دینی و در نتیجه، جلوگیری از وقوع منکرات، سمت و سو دادن آنان به سمت نماز و عبادتی است که همان نتیجه اصلاحی را به وجود می‌آورند.

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: مسلمانان باید از هشدارهای امت موسی عبرت بگیرند. یکی از این هشدارها که در قرآن آمده این است: فخلف من بعدهم خلف اضعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات؛ پس از نسل اول انقلاب حضرت موسی، جوانان و نوجوانانی آمدند که نماز را تپاه ساخته دنبال هوسرانی و شهوت‌بازی رفتند.

«لازم به توضیح است که منظور از نهی نماز هم نهی تشریعی است، یعنی صحت و کمال نماز مشروط به ترك گناهان است و هم نهی تکوینی، یعنی ذاتاً اثر بازدارندگی از گناهان دارد.» (72)

«و این به آن معنی است که نماز سراسر نهی از گناه است. و در بازدارندگی از آن اثری قوی دارد منتهی شدت و ضعف بازدارندگی نماز، بستگی به نقص و کمال آن دارد.» (73)

«بهترین نظم و انضباط را می‌توان در مکتب نماز آموخت. زیرا انجام نماز در اوقات معین و به‌خصوص، آداب نماز در مورد نیت و قیام و رکوع و سجود و جای گرفتن هر موضوعی از نماز در محل خود، علاوه بر آثار مفیدی که در روح انسان می‌گذارد، موجب نظم و انضباط در زندگی خواهد شد و عملاً نظم و ترتیب را به انسان می‌آموزد، با توجه به این که یکی از عوامل بسیار مهم پیشرفت و تکامل، نظم و انضباط است.» (74)

«دانشمند محقق «هیل» در کتاب «تمدن غرب» می‌نویسد: «از روزی که اسلام ظاهر شد، نماز یگانه شعار اسلامی به صورت يك ضرورت درآمد. کافی است که ما نقش نماز را مورد بررسی قرار دهیم که چه تأثیر مهمی در بیدار کردن روح نظم و نظام داشته است. آن گاه به خوبی درمی‌یابیم که در حقیقت، نماز برای مسلمین مانند يك آموزش نظامی است. و همین نظم مسلمانان در نماز و اجتماع با شکوه آنان، روح وحدت و یگانگی را در میان مسلمانان زنده کرده، برادری، مساوات، برابری و دستاوردهای اجتماعی اسلام را عملاً ایجاد نموده است.» (75)

و هم‌آوایی نمازگزار با دیگر نمازگزاران و مسلمانان باعث سازگاری وی با جامعه و انتظارات اجتماعی می‌شود. به‌خصوص زمانی که نمازگزار، حس کند که با دیگر نمازگزاران و مسلمانان همراه شده است، این سازگاری عمیق‌تر شده و درونی می‌شود. تأثیر معانی و نمادها و دیگر اجزای فرهنگی بر نمازگزار باعث منظم شدن و آراستن نیازها و آرزوهای نمازگزار می‌شود. مانند تقاضاهایی که نمازگزار در سوره حمد، در قنوت و یا مواضع دیگر نماز از خداوند متعال دارد.» (76)

۳

### نماز و حکومت اسلامی

«لازمه تحقق عینی تربیت همه جانبه و متعادل در تمام حالت‌های وجود انسان یعنی دو بعدی، معنوی و نیز فردی و اجتماعی، تشکیل و استقرار حکومت الهی و اسلامی است. چون تنها در سایه حکومت اسلامی است که پیوستگی و ارتباط دین و سیاست و تعادل در رشد و تعادل انسان تحقق می‌یابد. بدیهی است در این صورت اهتمام به تفکر و تهذیب نفس که وظیفه هر مسلمان مؤمن و مجاهد است از بعد فردی خارج و پیوند نزدیکی با ابعاد اجتماعی و سیاسی اسلام می‌یابد.» (77)

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. (78)؛ یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه امور از آن خداست.

این آیه خطاب به یاران خداست که آن‌ها هرگز پس از پیروزی، همچون خودکامگان و جباران به عیش و نوش و لهو و لعب نمی‌پردازند و در غرور و سستی فرو نمی‌روند؛ بلکه پیروزی‌ها و موفقیت‌ها را نردبانی برای ساختن خویش و جامعه قرار می‌دهند. آن‌ها پس از قدرت یافتن، تبدیل به يك طاغوت جدید نمی‌شوند، ارتباطشان با خدا محکم و با خلق خدا نیز محکم است؛ چرا که نماز سمبل پیوند با خالق است و زکات، رمزی برای پیوند با خلق و امر به معروف و نهی از منکر پایه‌های اساسی ساختن يك جامعه سالم محسوب می‌شود. (79)

«این آیه، طبیعت حکومت اسلامی و حاکمان اسلامی را بیان می‌دارد. در حکومت الهی، اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان ثمره و نتیجه قطعی حکومت مطرح است.

اقامه نماز در بعد اجتماعی که محصول حکومت دینی است، یعنی تبلیغ و تبیین نماز، تشویق مردم به نماز، فراهم ساختن زمینه‌های اقامه نماز، توسعه نماز، گرم شدن بازار نماز، شلوغی و پر رونقی مساجد و نمازهای جمعه و جماعت، حضور و تظاهر به نماز و افزایش نمازخوانان در جامعه.» (80)

«بنابراین اقامه نماز در يك نظام الهی و اکسینه کردن و بیمه کردن نظام و جامعه است در برابر جهل، غفلت، نقص، ضرر و اضرار؛ و افزودن مستمر درجات تعالی انسان و جامعه. و این عالی‌ترین شکل هدایت و رهبری توأم با بصیرت و مسئولیت و آزادی و استقلال در جهت تحقق کرامت انسان و جامعه است.

امام علی علیه السلام به‌عنوان مصلح و رهبر نظام دینی، اقامه نماز را در فرمان‌های حکومتی‌شان «تصریحاً و تلویحاً» مورد تأکید قرار داده‌اند و آن را بهترین فعالیت برای تعامل مطبوع میان حاکمیت و مردم، و مساعدت و معاضدت آگاهانه، عاشقانه، آزادانه، مسئولانه جهت تعامل فرآیند سعادت و رستگاری معرفی می‌نماید. زیرا

بزرگترین مشکلی که در راه مصلحان (و حکومت‌ها) هست این است که همبستگی میان مردم را به حد اعلا برسانند و اقامه نماز جماعت توسط حاکمیت در چنین فضای لطیف و محبت‌آمیز مبتنی بر درایت و بیداری و هشیاری و صداقت و اخلاص رابطه مردم و حاکمیت را مستحکم خواهد ساخت.

امام علی علیه السلام در فرمان حکومتی‌شان به محمد بن ابی‌بکر فرمودند: «وَ اعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَابِعٌ (تَبَعٌ) لِمُصْلُوتِكَ. وَ اعْلَمُ أَنَّهُ مَنْ ضَمَّ الصَّلَاةَ، فَإِنَّهُ لَيَغَيِّرُ الصَّلَاةَ مِنْ شَرَايِعِ الْإِسْلَامِ أَضِيعٌ.»

امام در فرمان سیاسی، به نظام حکومتی و کارگزاران آن توصیه می‌کند که هر نوع فعالیتی در نظام اعم از فعالیت‌ها و رفتارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، قضایی و... بایستی تابع نماز باشد. همان‌طور که قرآن مجید در خصوص طبیعت انسان می‌فرماید: «...إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا...» (81)

«امیر مؤمنان به‌عنوان حاکم اسلامی با والی خود این‌گونه در مورد نماز سخن می‌گوید و این معنای اقامه نماز است. پس حاکم اسلامی باید تبلیغ نماز نماید و اهمیت و جایگاه نماز را آشکار سازد و مردم را عاشق نماز بکند.» (82)

«هم چنین ایشان به استاندار خود مالک اشتر می‌فرمایند: و إذا حدث لك ما انت فيه من سلطانك ابهة أو مخيلة فانظر الى عظم ملك الله فوقك و قدرته منك على ما لا تقدر عليه من نفسك. هنگامی که این منصب و مقام در تو خیال قدرت و ابهتی ایجاد کرد، عظمت و قدرت خدا را بنگر و آن را در نظر آور که فوق تو و قدرت توست.» (83)

«پس بی‌نمازان که پیمان فطرت و بندگی را با خدای خود می‌شکنند، با زیردستان و رعایای خود به طریق اولی پیمان‌شکنند و چنین ستمگرانی شایسته حکومت بر بندگان خدا نمی‌باشند. یعنی باید با حاکمان بی‌نماز که فاقد نخستین نشانه صلاحیت برای حکومت‌اند و طبعاً فاقد دیگر ملاک‌های صلاحیت حکومت خواهند بود و بر مردم ستمکاری خواهند کرد، تا برچیدن دستگاه جورشان قتال و مبارزه کرد و صالحان را بر سر کار آورد.» (84)

اگر صاحبان قدرت فاقد اصول اخلاقی باشند و صرفاً از روی سیاست، قدرت را در دست گیرند، احتمال بسیار وجود دارد که قدرت زیاد، در روابط اجتماعی درون‌فکن شود و آن‌ها احساس تقصیر نکنند. بلکه با مسئول دانستن دیگران، تقصیر خود را متوجه دیگران کنند، و دیگران را مستحق مجازات بدانند در نتیجه دچار خودبزرگبینی می‌شوند و به خود اجازه می‌دهند مرگ و زندگی دیگران را در دست بگیرند؛ چنین است که نماز در جهت دادن به اصلاحات اجتماعی نقش مهمی دارد.

## نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی علی فتاحی

نویسنده، نوشته‌اش را در سه بخش تنظیم کرده است.

در بخش اول از «نقش دین» در زندگی بحث می‌کند.

در بخش دوم از «نقش اسلام» در زندگی گفت‌وگو می‌کند. از بهترین طریق هدایت، از قانون اساسی جهانی و آئین جهانی، و در رسیدن به این همه، خودسازی را اولین گام ایده‌آل‌های اجتماعی می‌داند.

بخش سوم اختصاص به «نقش نماز» در زندگی دارد. در این بخش از «نیاز به نماز از دیدگاه دانشمندان» و دیگر آثار پسندیده‌ای که تعمق در نماز برای خود و اجتماع ایجاد می‌کنند بحث به میان می‌آید.

نمونه‌هایی چند از نوشته‌های ایشان را می‌خوانیم:

غرب با همه پیشرفت‌های علمی و صنعتی‌اش و با همه ادعاهای خویش هیچ‌گاه از لحاظ معنوی نتوانسته اخلاق اجتماعی را به نحو کمال و شایسته آن در نظام اجتماعی و تعاملات جامعه نهادینه کند؛ دین هنوز با زندگی حقیقی مردم سر و کار ندارد و از فرهنگ مردم دور است، زیرا در جهان غرب هم‌اکنون تنظیم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فکری، روی این پایه است. که زندگی مادی پایه و اساس هر چیزی است. آری زندگی مادی در دنیای غرب امور را به دست دارد و به منزله دریای رحمتی است، سرشار از نشاط و سرور و باید در ساحل آن آرمید. پس در متن اجتماع اروپا اخلاقی وجود ندارد، که از مفهوم دین الهام بگیرد، زیرا نشاط غریزه جنسی در این دنیای به اصطلاح آزاد برای دختران و پسران و مردان و زنان هرگز با دین ارتباطی ندارد...

... هم‌اکنون در جهان غرب، اعم از آمریکا و اروپا معیارهای اخلاقی، دائم دست‌خوش تغییر است و دگرگون گردیدن آن به مقتضای اجتماع صنعتی حتمی و ضروری است و دیگر برای هنجارهای اخلاقی، که از دین الهام می‌گرفت فضایی باقی نمانده است. معنای این سخن این است که در جهان غرب برای مردم زندگی تفسیر مادی تاریخ است و بس.» (85)

«غرب، امروز دوران اضطراب، پوچی و ناامیدی خود را می‌گذراند... امروزه آزادی‌های جنسی در جوامع غربی و آمریکا و اروپا غوغا می‌کند، به طوری که یکی از نویسندگان معروف می‌نویسد، فروید با انتشار نظریات خود درباره نهاد آدمی ریشه فضایل و ملکات اخلاقی را در جوامع غرب سوزاند و این فکر گمراه را قوت داد، که شخصیت آدمی، به غرایز حیوانی و نهادهای شهوانی او مرتبط است و حتی عقل و اراده نیز مظاهری از غرایزند و زائیده آن‌ها هستند.» (86) و ده‌ها مکتب فلسفی دیگر که برگرفته از عقل ناقص بشر و بعضاً ایده‌های پوچ و بی‌بهره‌ای است که احساسات مردم را در معرض سوءاستفاده‌های خود قرار می‌دادند، که این برنامه‌ها ماحصل الهامات مسموم چنین شبه‌روشنفکرانی است، که این گونه جوامع غربی را به انحطاط اخلاقی و دگرگونی ارزشی کشیده‌اند و نسل امروز با همه رفاه نسبی و نیز با تمام مصائب تلخ و دردناک نمودی از گسترش وسیع دانش و تکنیک منهای اخلاق است، که راسل و بسیاری از دانشمندان درباره‌اش سخت ناامید و بیمناکند. (87) بجاست که در این جا شعر زیبایی علامه اقبال لاهوری را در گوش فرنگیان غرب‌زده و یا آن‌هایی که شیفته و دلباخته فرنگ هستند، زمزمه کنیم که:

بیا که ساز فرنگ از نوا در افتاده است  
درون سینه او نغمه نیست، فریاد است

زمانه، کهنه‌بتان را هزار بار آراست  
من از حرم نگذشتم که پخته بنیاد است

«اسلام دین فطرت است و بزرگ‌ترین امتیازش این است که دائم با فطرت و در مسیر فطرت حرکت می‌کند و از هر جهت با آن سازگار است. دین اسلام در تربیت روح بشر نقش بسیار بالایی دارد؛ در این دین آسمانی معالجه و هدایت انسان اصل است و از هیچ تلاش و کوششی در این راه دریغ نمی‌ورزد. جسم و عقل و روح و روان انسان و زندگی مادی و معنوی او را در روی زمین زیر نظر می‌گیرد. اسلام همه هستی بشر را و هر چه در آن هست، دریافت می‌کند و به تمام ابعاد آن توجه لازم دارد و این موجود ملکوتی را با کمال دقت مورد لطف و عنایت قرار می‌دهد.» (88) ما بنا بر اعتقاد و تفکر دینی خود عقیده داریم اسلام با برخورداری از ویژگی «جامعیت» و



«وسعت جهان‌شمول» و «قابلیت انطباق با اوضاع و احوال مختلف و نیازهای جدید»، يك آئين جهانیست و هر کس که منکر آن است به‌عنوان محقق و با در دست داشتن قوانین و اصول فلسفه تاریخ و جامعه‌شناسی و جهان‌بینی درست، میزان دگرگونی را که این آئين الهی در يك جامعه منحنی بدوی به وجود آورد و سپس امواج این تحول اساسی و زیربنایی را که از همین جامعه کوچک و بی‌مقدار و خشک و خشن، به مناطق وسیعی از جهان گسترش یافت، محاسبه کند و خلایقیت و دگرگون‌سازی این مکتب را با توانایی آفرینندگی سایر مکاتب در يك تناسب مستقیم حساب کند، باید در گوشش چنین زمزمه کرد:

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی

کاین ره که تو می‌روی به ترکستان است

اروپائیان نیز در مورد اسلام و تعالیم اسلامی و نقش اسلام در پیشبرد جوامع اسلامی در زمینه علم و صنعت و پیشرفت آن‌ها در زمان‌های گذشته، سخنان بسیاری در تعریف و تمجید این دین جهانی و الهی گفته‌اند: «مورخ بزرگ لوترب ستودار در کتاب «دنیای اسلامی کنونی» می‌نویسد: حکومت‌های اسلامی در سه قرن اول به خوبی پیشرفت کردند و از اکثر ممالک جهان از حیث تمدن و عمران و آبادانی و مسجد و دانشگاه جلو افتادند. این ممالک مخزن حکمت و علوم پیشینیان بود و نور خود را طی این مدت به اروپا می‌تابانید.» لیودوروش می‌گوید: «اسلام دین فطری و اقتصادی و انسانی و ادبی است، تمام قوانین موضوعه ما در اسلام است، من به سراغ دینی رفتم که جول سیمون آن را دین طبیعی نامید. دیدم چنین دینی اسلام است. دیدم که این دین تأثیر زیادی در دل مسلمانان دارد، آن‌ها را رشید و شجاع و کریم بار آورده و در طرفداری از خیر و ترحم و نیکی در دنیایی که جز شرّ و لهو و دروغ نمی‌شناسد و مسلمانان به گونه‌ای هستند که منتهای آرزوی فلاسفه بزرگ است.» (89)

و بالاخره این که دین اسلام به همه چیز در جامعه به طور همه جانبه می‌نگرد و انسان می‌تواند با الهام گرفتن از تعالیم اسلام به محتوای زندگی خود در این دنیا جهت داده و در آخرت نیز دل شاد و خوشنود از این نوع زیستن باشد.

انسان از نظر اسلام موجودی است که هم می‌تواند خود را بسازد و به عالی‌ترین کمالات معنوی دست یابد، و هم می‌تواند سازنده محیط زندگی خود و جامعه باشد؛ از آن جایی که انسان فطرتاً اجتماعی خلق شده است، از انزوا و فطرت دوری می‌کند. لذا همیشه در صدد است تا به قوه تفکر و الهام گرفتن از يك منبع تمام عیار، جامعه خویش را اصلاح کند، میزان موفقیتش در سازندگی محیط با میزان موفقیتش در سازندگی خویش بستگی دارد و به عکس. انسان با توفیق در بهسازی محیط زندگی، راه را برای بهسازی خویش هموارتر می‌کند، که به مسأله خودسازی توجه کند و اهمیت دهد، و با اخلاق اسلامی خو بگیرد و خود را خداگونه جلوه دهد... در دین مبین اسلام، انسان باید خود را از هر خصلت ناروا که مانع کمال و کرامت نفس است، پیراسته سازد، تا آماده پذیرش خلق و خوی پسندیده و پاک انسانی شود و تعادل و رشد لازم برای انسان‌تر شدن و به خدا نزدیک گشتن را به دست آورد... ابراز عواطف به هم‌نوعان در سلامت و سعادت جامعه، نقش بسیار مؤثری دارد، به زندگی طراوت و شادابی خاصی می‌بخشد و زندگی از يك نواختی خارج می‌شود صله رحم یکی از این مصادیق است؛ از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند: «با خویشان خود پیوند داشته باشید هر چند به يك سلام کردن باشد.» (90) خداوند بزرگ می‌فرماید: خدای را پرهیزگار باشید، آن خدایی را که درباره او و درباره خویشانتان مسئولیت دارید؛ خدا مراقب اعمال شماست.» (91) و بالاخره این که تمامی فضایل نفسانی مقدمه‌ای است برای خودسازی و در نهایت ساختن جامعه‌ای سالم و آرام و بی‌شک کارایی نیروهای جامعه وقتی که با هم متحد گردند بیش‌تر خواهد شد و انجام کارهای بزرگ محقق خواهد شد و بنابراین انسان‌های مآل‌اندیش و تلاشگر، باید علاوه بر کوشش‌های شخصی، در راه اقدامات اجتماعی هم قدم‌های ثابت بردارند و احساس مسئولیت کنند. و این

کوشش‌ها باید به صورت گروهی انجام پذیرد. تا بدین ترتیب گام‌های مثبتی در فرآیند اصلاحات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برداشته شود.

۴

#### نقش نماز در روابط اجتماعی

در آموزه‌های اسلامی و دینی بر حفظ پیوندهای اجتماعی و همدلی و اخوت و برادری در بین مسلمین تأکید بسیاری شده و از هر گونه رذائل اخلاقی که موجب گسست پیوندهای اجتماعی - خانوادگی شود به شدت نهی شده است، تا آن جا که در بعضی از روایات و احادیث ما چنین اعمال زشتی چه از قبیل غیبت، تهمت یا سوءخلق و بدگمانی یا بدخلقی و قطع رحم و یا مردم‌آزاری، موجب عدم مقبولیت عبادات و نماز شمرده شده است. نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «من اغتاب مسلماً او مسلمة لم یقبل الله صلاته و لا صیامه اربعین يوماً و لیلة الا یغفر له صاحبه؛ هر کس که غیبت زن و مرد مسلمانی را بکند، تا چهل روز نماز و روزه او را خداوند قبول نمی‌کند مگر آن که آن شخص او را ببخشد.» (92)

و نیز در مورد قطع رابطه، آن حضرت در وصایا و موعظت خویش به ابوذر غفاری - یکی از یاران و اصحاب با وفای خویش - می‌فرماید: «یا اباذر ایّاک و هجران اخیک فانّ العمل لا یقبل مع الهجران»؛ ای اباذر از دوری و قطع رابطه و قهر کردن با برادر دینی‌ات پرهیز کن، چرا که با این کار عملت قبول نمی‌شود.

آئین اسلام به خاطر این که کانون گرم خانواده‌ها همیشه گرم بماند و انسجام بین خانواده‌ها نیز حفظ شود، در امور خانوادگی هم رعایت حقوق متقابل زن و شوهر را با اهمیت دانسته، به طوری که بی‌توجهی به آن باعث قبول نشدن عبادات و نماز و اعمال نیک دیگر قلمداد شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «من کان له امرأه تؤذیه لم یقبل الله صلاتها و لا حسنة من عملها حتی تعنیه و ترضیه و ان صامت الدهر و قامت... و علی الرجل مثل ذلك» معنی آیه این است، که هر کس همسرش را اذیت و آزار دهد نمازش و هیچ‌یک از اعمال حسنه او پذیرفته نمی‌شود، مگر او را کمک و راضی کند و در ادامه حدیث است که چنین شخصی اولین کسی است که وارد آتش جهنم می‌شود. سپس در ادامه راوی در مورد مرد نیز می‌پرسد، حضرت پاسخ می‌دهند، که مرد نیز چنین است و حتی برای فرزندان نیز وظایف و تکالیفی در این باره تعیین شده است؛ امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «نماز فرزندان که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می‌کنند قبول نمی‌شود، گرچه والدین نسبت به او کوتاهی کرده باشند.» (93) با توجه به احادیث و مطالعه و مذاقه در آن‌ها روشن می‌شود که نماز به‌عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده در عرصه اجتماعات بشری، جامعه را به سوی تکامل و رشد در تمامی زمینه‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز با هم‌نوعان رهنمون می‌سازد و حیات معنوی و حتی مادی جامعه ارتباط تنگاتنگی با تعالیم عظیم اسلامی دارد.

#### نوری در تاریکی

#### کبری جبریایی

معمولاً در کنار هر واژه‌ای، واژه دیگر است که معنا و مفهوم آن را دقیق‌تر و روشن‌تر می‌کند. مثلاً معنای واژه «آزادی» را همگان بیش و کم می‌دانند اما از این واژه «احترام متقابل» نسبت به یکدیگر، درک می‌شود از این رو آزادی به معنای «هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو، بپرس، بنویس و عمل کن» نیست. بلکه آن گونه بگو و بنویس و بپرس و عمل کن که حقی ضایع نشود.

راستی کدام واژه، نهضت کربلا را دقیق‌تر و روشن‌تر معنا می‌کند؟ اگر جای‌جای صحرای کربلا را بکاویم؛ اگر لحظه‌لحظه حرکت امام‌حسین علیه السلام را بنگریم، اگر اوراق جاودان تاریخ کربلا را ورق بزنیم، کدام واژه را برمی‌گزینیم؟

خانم جیریایی عنوان زیبایی «نوری در تاریکی» را برای نوشته‌اش برگزیده است. تا با بهترین واژه‌ها درباره «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی و فرهنگی» داورى کند. متأسفانه نویسنده فراموش کرده است فهرستی برای نوشته‌اش بنویسد که این مسئله کار را برای داورى و قضاوت درباره نوشته‌اش، مشکل کرده است. نمونه‌هایی از نوشته‌های ایشان را با هم می‌خوانیم:

۱

نماز باعث از بین رفتن غم و غصه می‌شود

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما يمنع احدكم اذا دخل غم من غموم الدنيا ان يتوضأ ثم يدخل المسجد فيركع الركعتين يدعوا الله فيها اما سمعت الله تعالى يقول: (واستعينوا بالصبر والصلوة)»  
وقتی غمی از غم‌های دنیا بر یکی از شما وارد شد، وضو بگیرد، سپس داخل مسجد شود و دو رکعت نماز بخواند، مگر جز این است که خداوند بزرگ می‌فرماید: (به کمک صبر و روزه و نماز) از خداوند سبحان یاری بجوئید. (94)

این عبادت مایه قرب خداست  
مونس شب‌های تار اولیاست

فهم کن تا با که می‌گویی سخن  
با خدا یا با خیال خویشتن  
گر نماز خویش خواندی با حضور  
هست مقبول خداوند غفور

ذاکر غم‌دیده هر صبح و مساء  
کسب این توفیق خواهد از خدا

۲

آرامش در نماز

۱. الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (95) آنان که به سوی خداوند بازگشته‌اند، کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به ذکر خداوند بزرگ مطمئن و آرام است آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

۲. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (96)

مؤمنان تنها کسانی هستند که، هر وقت نام خداوند بزرگ برده شود دل‌های آن‌ها به خاطر احساس مسئولیت در پیشگاهش ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات خدای بزرگ بر آن‌ها خوانده می‌شود (بر ایمانشان افزوده می‌شود). تنها بر پروردگار خویش توکل می‌کنند؛ آن‌ها کسانی هستند که نماز را (که مظهر رابطه با خداست) برپا می‌دارند و از آن چه به آن‌ها روزی دادیم در راه بندگی خداوند انفاق می‌کنند.

۳. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است: «الصلوة... راحة للبدن...» (97)؛ نماز باعث آرامش جسم می‌باشد به راستی انسان موجودی است که خواسته‌هایش نامحدود است، و هیچ يك از امور این عالم او را اشباع نمی‌کنند و به هر يك از این‌ها که می‌رسد بالاتر و بهترش را طلب می‌کند تا این که خود و عالم را به فساد بکشد و از بین ببرد.

۳

ولایت اهل بیت شرط قبولی در تمام عبادات

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

« بنی الاسلام علی خمسة اشياء علی الصلوة و الزکاة و الصّوم و الحج و الولاية. قال زرارة فقلت: و ای شیء من ذلك افضل قال: الولاية، لانها مفتاحهن والوالی هو الدلیل علیهن... اما لو ان رجلاً قام ليله و صام نهاره و تصدق بجميع ماله و حج جميع دهره و لم يعرف ولاية ولی الله فیوالیه و يكون جميع اعماله بدلالته الیه ما كان له علی الله حق فی ثوابه و لا كان من اهل الايمان.» (98)

اسلام بر پنج چیز بنا شده است، نماز، زکات، روزه و ولایت؛ زُراره از امام علیه السلام سؤال کرد، کدامیک از این‌ها افضل است؟ حضرت فرمود: ولایت (و رهبری امام معصوم علیه السلام و جانشینان آن‌ها که فقها هستند) برای این که ولایت و رهبری کلید نماز و زکات و روزه و حج می‌باشد و ولی و حاکم عادل اسلام حجت (راهنما و باعث عمل شدن) به آن چهار حکم الهی دیگر است. بعد فرمود:

اگر کسی شب‌ها به عبادت بپردازد و روزها روزه بگیرد، و تمام مالش را در راه خداوند سبحان صدقه بدهد و تمام عمرش را حج برود و لکن ولایت و رهبری ولیّ خدا را نشناسد تا او را دوست بدارد (و اطاعتش کند و اعمالش را طبق رهبری او انجام دهد) هیچ ثوابی از طرف خداوند بزرگ به او داده نمی‌شود و از اهل ایمان هم به شمار نمی‌آید.

امام سجاده علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «... لو ان رجلاً عمَرَ ما عمَرَ نوح فی قومه، الف سنة الا خمسين عاماً، يصوم النهار و يقوم الليل فی ذلك المكان ثم لقی الله بغير و لا يتنا، لم تنفعه ذلك شيئاً.» (99)

اگر کسی عمر حضرت نوح علیه السلام که نهصد و پنجاه سال بود داشته باشد و در این مدت شب‌ها عبادت کند و روزها روزه‌دار باشد، در حالی که ولایت و محبت ما را نداشته باشد (و مطیع امر و دستورات اهل بیت علیهم السلام نباشد) روز قیامت که خداوند سبحان را ملاقات می‌کند این عبادت‌ها برای او هیچ فایده‌ای ندارد.

نماز بی‌ولایت، بی‌نمازی است

تعبد نیست، نوعی حقه‌بازی است

ولایت چیست؟ در خون غوطه خوردن

کلید سینه بر مولا سپردن

طلا آن گه طلای ناب گردد

که در هُرم ولایت آب گردد

در روایات بسیار آمده است: هنگامی که امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام در مسجد مشغول نماز بود، سائلی از مردم درخواست کمک کرد. کسی به او چیزی نداد و علی علیه السلام در حالی که در رکوع نماز بود

انگشتر خود را به او بخشید؛ سپس ابن آیه شریفه نازل شد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.» (100)؛ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان طور که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

نماز بدون شناخت امام معصوم علیه السلام و بدون پیروی از او بی‌فایده است، آن‌ها که برای کشتن امام حسین علیه السلام به کربلا رفته بودند، تارك الصلوة نبودند، بلکه نماز جماعت می‌خواندند و امثال یزید و معاویه امام جماعت آن‌ها بودند. (101)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که نماز بخواند و در آن بر من و اهل‌بیت صلوات نفرستد نمازش پذیرفته نمی‌شود. (102)

سید بن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» از امامان معصوم علیه السلام روایت کرده است که: هر که ثواب نماز خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام و اوصیای پس از آن حضرت هدیه کند، خداوند ثواب نمازش را آن قدر افزایش دهد که از شمارش آن نفس قطع می‌گردد و پیش از آن که روح از بدنش جدا شود به او گفته می‌شود: هدیه تو به ما رسید و امروز روز پاداش و تلافی (نیکی‌های) توست؛ دلت خوش و چشمت روشن باد به آن چه خداوند برایت مهیا فرموده است و گوارایت باد به آن چه که رسیدی. راوی می‌گوید: به امام علیه السلام عرض کردم: چگونه نمازش را هدیه نماید و چه بگوید؟ فرمود: نیت کند ثواب نمازش را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و... (103)

عبادت زمانی ارزش دارد که همراه با شناخت رهبر آسمانی و پیروی از او باشد و نماز منهای ولایت، نماز نیست. حضرت علی علیه السلام گرفتار عده‌ای نمازخوان جاهل بود که در تاریخ به نام خوارج معروف‌اند کسانی که پیشانی آن‌ها به خاطر سجده‌های مکرر و طولانی، پینه بسته بود اما در برابر علی علیه السلام قیام کردند و بر او شمشیر کشیدند. (104)

عاشقی یعنی در آتش سوختن  
از ولایت معرفت آموختن

۴

نقش نماز در کاهش جرائم

امام خمینی (ره) می‌فرماید: در اسلام از نماز هیچ فریضه‌ای بالاتر نیست، چه‌طور نماز را این قدر سستی می‌کنید در آن؟... شما پرونده‌هایی که در دادگستری‌ها... هست بروید ببینید؛ از نمازخوان‌ها ببینید پرونده هست آن‌جا؟ از بی‌نمازها پرونده است. هر چه پرونده پیدا کنید، پرونده بی‌نمازهاست.

اگر روزه و تحمل گرسنگی مایه نشاط روح است، نماز هم وسیله پرواز روح است. اگر روزه وسیله کنترل هوای نفس است و آن را از سرکشی باز می‌دارد، نماز هم روح خشوع و خضوع را در نمازگزار ایجاد می‌کند و نفس طغیان‌گر او را رام می‌سازد.

اگر روزه‌دار باید نیت کند و از خوردن و آشامیدن خودداری نماید، نمازگزار هم باید برای نماز نیت کند و خوردن و آشامیدن در موقع نماز حرام است. اگر تشنگی و گرسنگی روزه، انسان را به یاد محرومین و مستمندان می‌اندازد، یکی از دلایل برپایی نماز (جماعت) هم این است که نمازگزاران از حال بیچارگان با خبر شوند و از آنان دستگیری کنند؛ اگر روزه همراه با غیبت و چشم‌چرانی و خوردن مال حرام بی‌ثمر است؛ نماز هم باید همراه با ترک این گناهان باشد، وگرنه نماز نیست. (105)

به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عرض کردند: فلانی روزها نماز می‌خواند و شب‌ها دزدی می‌کند! حضرت فرمود: نمازش او را از این گناه بازمی‌دارد. (106)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: ای اباذر! بیش‌تر اوقات در مسجد باش، همانا اهل مسجد «اهل‌الله» هستند. (107)

در روایت آمده است که چون رسول خدا به پیامبری مبعوث شد نخستین کسی که به او ایمان آورد حضرت خدیجه بود، اندکی بعد جبرئیل نزد پیامبر آمد تا وجوب نماز را برای او بیان کند؛ جبرئیل در کنار دره‌ای چشمه‌ای از آب گوارا آشکار ساخت و وضو گرفت و پیامبر هم وضو را آموخت آن گاه دو رکعت نماز خواندند و رسول خدا در حالی که از این فرمان خدا بسیار خوشحال و شادکام بود به خانه برگشت و همراه حضرت خدیجه کنار چشمه آمدند و هر دو همان طور که جبرئیل وضو گرفته بود وضو گرفتند و دو رکعت نماز گزارند و از آن پس پیامبر و حضرت خدیجه پنهانی نماز می‌خواندند. (108)

یکی از علمای معاصر می‌گوید در سفر به فرانسه از خانمی که مسلمان شده بود پرسیدم: چگونه مسلمان شدید؟ گفت: من سال‌ها پیش مقیم الجزایر بودم. يك روز از جاده‌ای عبور می‌کردم که در کنار آن مزرعه‌ای بود و دیدم کسی رو به جهتی ایستاده و حرکاتی انجام می‌دهد. کنجکاو شدم و از دیگران پرسیدم: این حرکات چیست؟ گفتند نماز می‌خواند. کنجکاو تر شدم و سراغش رفتم: پرسیدم: چه می‌کنی؟ چه می‌گویی و چه می‌خواهی؟ وقتی متوجه شدم در اسلام ارتباط با خالق این اندازه آسان است و این قدر عمیق و لطیف است تکان خوردم و مسلمان شدم. (109)

امام سجاد علیه السلام فرمود: در سفر اسارت که ما از کوفه به سوی شام می‌رفتیم عمه‌ام زینب (سلام الله علیها) نمازهای واجب و مستحب را ایستاده به جا می‌آورد و گاهی نمازش را نشسته می‌خواند. دلیل آن را از او پرسیدم. فرمود: «به خاطر شدت گرسنگی و ضعف این چنین نماز می‌خوانم.» زیرا مقدار غذایی که به او می‌دادند بین کودکان تقسیم می‌کرد و آنها (مأمورین یزید و عمر سعد) در هر شبانه‌روز به هر يك از ما تنها يك قرص نان می‌دادند. (110)

#### نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی معصومه خلیفه قلی

انسان به مثابه سکه، دو رو دارد. تن و روان، جسم و جان، بدن و روح. انسان يك پایش در این دنیا است و پای دیگرش در آن دنیا. از طرفی به زمین چسبیده و از سوی دیگر سر به آسمان می‌ساید. از يك سو در زنجیر خاک اسیر است و از سوی دیگر آرزوی ملکوت دارد. گاه اسیر زمان و مکان است، و گاهی افزون‌طلب و آواره سرگردان.

برای رهایی از بند مادیت چه باید کرد؟ اگر طالب شکستن زنجیر تن هستی، باید صلات را جدی بگیری. و بکوشی از زمان و مکان نماز غافل نشوی. از این رو بر انجام نماز اول وقت هم‌چنین حضور در مسجد و برگزاری آن به جماعت سفارش‌های فراوان شده است.

خانم معصومه خلیفه‌قلی نوشته‌اش را در سه فصل تنظیم کرده است:

در فصل اول: «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی و سالم‌سازی جامعه» بررسی شده و از مسجد به‌عنوان «پایگاه همدلی» یاد شده است.

در فصل دوم «نقش نماز در اصلاحات فرهنگی» و فایده به جا آوردن نماز بررسی شده و در فصل سوم «نقش نماز در اصلاحات سیاسی» مورد توجه قرار گرفته است.

نمونه‌هایی از نوشته‌های ایشان را با هم می‌خوانیم:

عدالت از نظر لغوی به معنای مساوات و برابری بین مردم است و نماز در این رابطه نقش بسزا و مؤثری را ایفا می‌کند؛ در این جا نظر علامه طباطبایی را نسبت به ایجاد عدالت فردی و رابطه آن با نماز مطرح کنیم:

علامه طباطبایی(ره) در تفسیر آیه 106 سوره مائده می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا شهادةً بینهکم إذا حضر أحدکم الموت حین الوصیة اثنان ذوا عدل منکم»

چنین استنباط می‌کند. (111): عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی است. در جامعه‌ای که مردم با هم زندگی می‌کنند، باید از دستاورد و کوشش‌های یکدیگر سود برند و چون بدون عدالت فردی، بنیاد جامعه نمی‌تواند دوام داشته باشد، در نتیجه کسب عدالت فردی جهت رسیدن به عدالت اجتماعی لازم و ضروری است.

سپس از آیه 2 از سوره طلاق استفاده می‌کند و از آن جا که قرآن می‌فرماید: «وَأَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنِ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» چنین نتیجه می‌گیرد: آن افرادی که به‌عنوان شاهد در دادگاه حضور می‌یابند و یا در هنگام وصیت حاضران، باید متصف به عدالت باشند مراد از عدالت همان اعتدال و حد متوسط میان افراط و تفریط است که آن هم در یک جامعه دینی معنا می‌یابد؛ در جوامع غیردینی که ایمان ملاک شهادت نیست، عدالت معنایی ندارد. بنابراین، برای رفع خصومت در یک جامعه دینی، ضرورتاً وجود افراد عادل شاهد امری حیاتی است و انسان‌های عادل نیز کسانی هستند که گرد معاصی و منکرات نگردند. آن گاه به آیه 31 سوره نسا استدلال کرده و حد نصاب عدالت فردی را از آن استنباط می‌کند. «إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخِلَ الْجَنَّةِ»؛

چنان چه از گناهی که شما را از آن نهی کرده‌اند، دوری گزینید، ما از گناهان شما در می‌گذریم و شما را به مقامی بلند و نیکو می‌رسانیم.

پس علامه(ره) بر این مسئله تأکید می‌کنند که آن چه در بحث عدالت فردی که یکی از شرایط شهود شاهدان در محکمه یا در حضور وصیت‌کننده است، عدالت فقهی است و این همان ملکه راسخه‌ای است که حد نصاب خواهد بود. سپس، علامه باز هم تأکید می‌کند که این حداقل عدالت که در رفع نیازهای حقوقی جامعه ضروری است، چگونه به دست می‌آید یا شناخته می‌شود؛ ایشان می‌فرمایند: ملکه عدالت (عدالت فردی) فقط از راه تزکیه به دست می‌آید و راه تزکیه نیز، مواظبت بر نمازهای پنج‌گانه و شرکت در جماعت مسلمانان است، پس می‌افزایند: آن کس که بر حفظ نماز تأکید ندارد، نمی‌تواند عادل باشد و آن که عادل نباشد، اصلاح‌طلب هم نیست. در واقع؛ علامه(ره) نماز را علت ایجاد عدالت فردی و عدالت فردی را زیر بنای عدالت اجتماعی و اصلاح‌طلبی می‌دانند. (112)

احمد بن محمد از یاران امام‌زاعلیه السلام می‌گوید: برای آن حضرت نامه نوشتم و در آن توضیح خواستم: ای امام بزرگوار! فدایت شوم، منظور از فایده و سود درآمد و حدود آن چیست؟ بر من منت بگذار و نظر و فتوای خود را در این باره بیان کن تا مرتکب عمل حرام و گناهی نشوم که سبب باطل شدن نماز و خراب شدن روزه من گردد.

امام‌زاعلیه السلام در پاسخ نامه من نوشت: فایده و سود، درآمدی است که از راه تجارت و کشاورزی به دست می‌آوری (113) و باید خمس آن را پرداخت کنی.

#### حق مردم

پرداختن حق مردم، به خصوص اگر حقی به ناروا و از راه مشکوک و نامشروع در زندگی وارد شده باشد، یک وظیفه حتمی و یک مسئولیت اجتناب‌ناپذیر است. کسی که مدیون مردم است، گناهکار می‌باشد و تا حق آنان را بازنگرداند، در پیشگاه خداوند مغضوب و در نظر مردم منفور است؛ چنین کسی اگر نماز و سایر عبادت‌ها را هم انجام دهد، اعمال او مطلوب و صحیح نخواهد بود.

نخعی می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم؛ من از زمان حکومت حجاج بن یوسف ثقفی تا کنون استاندار بوده‌ام و از این ناحیه دارایی فراوانی به دست آورده‌ام. اکنون می‌خواهم توبه کنم و زندگی خود را اصلاح نمایم.

امام باقر علیه السلام اندکی سکوت کرد و به دنبال اصرار و تقاضای من برای راهنمایی فرمود: توبه تو به سادگی پذیرفته نمی‌شود؛ مگر این که: تودّی الی کل ذی حقّ حقّه (114)

حق و حقوقی را که در این مدت از افراد گرفته‌ای، به صاحبان آن برگردانی. اضافه بر این که يك فرد مسلمان، باید از بردن و خوردن حق و مال مردم، از راه ظلم و ناروا خودداری کند و این کار در منطق اسلام مسئولیت اجتناب‌ناپذیر دارد. در مورد بدهکاری خود به مردم همان که تعهد اخلاقی و حقوقی است، نباید هیچ‌گونه مسامحه و قصوری نشان دهد بلکه با کمال جدیت به قول و قرار خود عمل نماید و بدهکاری خود و حق مردم را بپردازد. مجتهدین در رساله‌های عملی خود نوشته‌اند: شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام و ممنوع است اما اگر کسی در وسعت وقت مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را از او مطالبه نماید، چنان چه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد، باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب او ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد و سپس نماز بخواند. (115)

نماز فقط يك سلسله الفاظ و چند حرکت و نشست و برخاست نیست بلکه عبادتی است که عقیده را اصلاح و تنظیم می‌کند، روح احساس مسئولیت در برابر خدا و مردم را در انسان می‌دمد. ارتباط معنوی انسان را با خداوند محکم می‌کند و در سایه این ارتباط انسان خود را موظف می‌داند، از راه حلال و مشروع پول به دست آورد، حقوق مالی خود را در برابر خدا و خلق ادا نماید و بالاخره برای این که نماز او بی‌نتیجه نباشد و مقبول درگاه الهی قرار گیرد، در زندگی خود نظام اقتصادی سالم و صالحی هم داشته باشد.

## علل اجتماعی غفلت نوجوانان از نماز

هر عمل و رفتار درست یا نادرست افراد جامعه به نحوی یا به فرد یا به خانواده و یا به اجتماع مربوط می‌شود. اجتماع و تأثیراتی که افراد از آن می‌پذیرند، می‌تواند منشأ اصلاح یا فشار گردد و افق‌های سعادت یا تیرگی و شقاوت را به دنبال داشته باشد.

اگر شرایط، زمینه‌ها، عملکرد افراد جامعه و به طور کلی فضای عمومی و فضای خاص هر محیط، سالم و به دور از گناه، فساد، خرافه و مانند آن باشد؛ به طور حتم رشد کودک و نوجوان در چنین جامعه‌ای به سوی معنویت، ایمان و عبادت پروردگار سبحان سوق می‌یابد؛ جامعه‌ای سالم که از آلودگی، ظلم و فساد به دور است و شخصیت فرزندانمان به بهترین وجهی رنگ الهی به خود گرفته و به سوی کمال الی‌الله در حرکت است و رسیدن به قله‌های معرفت انسانی آسان خواهد بود.

در این جا به طور مختصر برخی از مهم‌ترین علل اجتماعی غفلت کودکان و نوجوانان به نماز را یادآوری می‌کنیم:

### ۱. دوستان و معاشران

بسیاری از رفتارها و افکار کودک و نوجوان متأثر از فکر و رفتار دوستان آنهاست. وقتی کودک و نوجوان، هم سن و سالان خود را در کوچه، مدرسه، محله، مسجد، پارک و... می‌بیند و یا با آنها آشنا می‌شود، خواسته یا ناخواسته از آنان تأثیر می‌پذیرد و خود را همچون آنان قرار داده و عمل دیگران را برای خود الگو قرار می‌دهد. بنابراین؛ دوستان، به ویژه آن‌هایی که با او صمیمی‌ترند، نقش به‌سزایی در ترغیب کودک و نوجوان به نماز یا غفلت و ترک نماز دارند. تحقیقات نشان می‌دهد، هر قدر نزدیک‌ترین دوستان افراد در سنین نوجوانی، به انجام رفتار عبادی پای‌بندی بیشتری داشته باشند، بر روی آن‌ها تأثیر مستقیم دارد و نقش مؤثری در تشویق و ترغیب آن‌ها خواهد داشت و بر عکس هر چه نزدیک‌ترین دوستان افراد در دوران نوجوانی نگرش منفی نسبت به نماز داشته باشند، بر روی آن‌ها تأثیر منفی گذاشته و از گرایش آنان به نماز می‌کاهد.



بنابراین والدین با مراقبت منطقی و صحیح، لازم است کودکان و نوجوانان را از دوستی با کسانی که به نماز بی‌اهمیت‌اند، بر حذر دارند و دلیل این عمل را نیز برای آن‌ها بیان کنند تا با رغبت و میل باطنی از دوستی با چنین افرادی پرهیز کنند.

## ۲. تبلیغات مسموم علیه دین

کودک و نوجوان از سویی به دلیل آمادگی پذیرش هر نوع اندیشه و رفتار ارائه شده و از سوی دیگر به دلیل ضعف و کم‌توانی علمی و عملی، قادر به تجزیه و تحلیل و تشخیص درست از نادرست نیست. در چنین وضعیتی اگر در معرض تبلیغات مسموم مخالفان و دورشدگان از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم و ارزش الهی؛ به‌خصوص نماز قرار گیرد، دچار شک و تردید شده و نسبت به دین و عبادت خدا بی‌اعتنا می‌گردد. بنابراین والدین اندیشمند و دلسوز با هوشیاری، علاوه بر این که فرزندانشان را از مسیر هلاکت‌بار تبلیغات مسموم که در قالب مجله، کتاب، فیلم و مانند آن آشکار می‌شود حفظ می‌کنند، سعی کنند، آنان را در مسیر روح‌بخش آیات نورانی قرآن کریم و روایات رسیده از امامان علیهم السلام قرار دهند تا از انوار دلنواز و شفاف‌بخش معارف الهی بهره‌مند گردند. در این صورت کودکان و نوجوانان به نماز و رابطه با خداوند سبحان عشق می‌ورزند و خود را به اعمال صالح مزین می‌کنند.

## ۳. ارائه نکردن الگوی عملی در اجتماع

هنگامی که نوجوان به محیط اجتماع پا می‌گذارد، برای تحقق آرزوهای مختلف خود از فرد یا افرادی الگو می‌پذیرد.

والدینی که سال‌ها کودک و نوجوان را با خدا، پیامبران صلوات‌الله‌علیهم، ائمه‌علیهم السلام و اصول ایمانی آشنا ساخته‌اند، لازم است فرد یا افراد وارسته‌ای را به‌عنوان الگوهای معنوی به آن‌ها معرفی کنند تا روحیه الگوپذیری او اشباع شود و او بتواند مصداق عینی بنده صالح و نمازگزار حقیقی را دریابد. در واقع، چنین کودکان و نوجوانانی با نماز الفت بیش‌تری یافته و به آن پای‌بند خواهند ماند.

## ۴. نقش محیط آموزشی (مدرسه) در هدایت به سوی نماز

فضای آموزشی سالم و پویا، در شکل‌گیری و تثبیت شخصیت کودک و نوجوان نقش بسیار مهم و کلیدی دارد. اگر مجموعه عناصر تعلیم و تربیت، مدیران، معلمان و کارکنان مدرسه، به اندیشه الهی و عمل صالح آراسته و پای‌بند باشند، به یقین کودک و نوجوان در چنین فضایی رشد معنوی یافته و به وظایف الهی و عبادت با پروردگار علاقه‌مند می‌شود.

در یک معنی می‌توان گفت که معلم بیش‌ترین نقش و تأثیر را بر روحیات، عقاید، اخلاق و رفتار کودک و نوجوان دارد تا حدی که نظر و عمل معلم برای آنان حجت است.

حضرت خاتم‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر گاه نماز به وقت خوانده شود، بالا می‌رود و برای آن نوری است درخشنده که با آن درهای آسمان گشوده می‌شود تا این که به دربار الهی می‌رسد و برای صاحب خود شفاعت می‌نماید و می‌گوید: خدا تو را حفظ کند؛ همان طور که در اول وقت حفظ کردی و هر گاه در غیر وقت خود خوانده شود، تاریکی بالا می‌رود که درهای آسمان بر آن بسته می‌گردد و به صورت صاحبش زده می‌شود و می‌گوید: خدا تو را ضایع کند، همان طور که مرا ضایع و نابود کردی؛ در فضیلت نماز اول وقت این قدر بس که امورات انسان اصلاح می‌شود.

## نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اکرم سرویی اصفهانی

در آیین اسلام بر انجام نماز تأکید و سفارش فراوانی شده است: نماز یومیه (صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا)، نماز عیدفطر، نماز عیدقربان، نماز وحشت، نماز جماعت، نماز جمعه، نماز اول و آخر ماه، نماز نیمه ماه، نماز آیات، نماز شکر، نماز شب و... که هر کدام وقت، زمان، شرایط و فلسفه خاص خودش را دارد. چرا نماز با همه لحظه‌های زندگی انسان عجین شده است؟ اگر فراز و نشیب زندگی همه ما از دریچه نماز سمت و سو می‌یابد، از نماز اعتبار می‌یابد، با عمل به نماز رضایت خالق جلب می‌شود، با نماز بدن و باطن انسان مهیای تحمل مشکلات می‌شود، با نماز حرکات و سکناات انسان معنا می‌یابد، با نماز آخرت انسان به خیر می‌شود و به بهشت می‌رسد. پس چرا نماز «الصلاة عمودالدین» نباشد.

خانم اکرم سرویی اصفهانی موضوع نوشته‌اش را «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» انتخاب کرده و به طور مستقیم آثار نماز را در زندگی اجتماعی بررسی کرده است. نمونه‌هایی از نوشته ایشان را می‌خوانیم:

۱

### نقش فرهنگی نماز جمعه

در میان رسانه‌های ارتباطی فرهنگی - اسلامی، نماز جمعه با ماهیت سیاسی مذهبی خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی شبکه ارتباطی وسیعی را برای انتشار و انتقال پیام و اندیشه‌ها فراهم آورده و با بهره‌گیری از امکانات ارتباطی، سیستم‌های صوتی، مطبوعات، صدا و سیما حامل انتقال اندیشه‌ها، پیام‌ها و افکار مسئولان در مراحل مختلف انقلاب در ابعاد سیاسی و فرهنگی جامعه بوده و انقلاب اسلامی را در مسیر ولایت فقیه رهبری می‌کند. همان طوری که مقام معظم رهبری هم روی این بُعد خیلی تأکید دارند، نماز جمعه به‌عنوان يك پایگاه فرهنگی می‌تواند در جهت از بین بردن ضد ارزش‌ها گام اصلی و اساسی بردارد.

امروزه نماز جمعه و خطبه‌های آن به طور مستقیم در مورد حوادث و اتفاقات جهانی موضع‌گیری می‌کند و این درایت، هوشمندی و فکر حکیمانه امام امت بود که از همان اوائل انقلاب بر نقش نماز جمعه و برپایی آن تأکید داشتند. مصالای نماز جمعه باید مظهر بینش و فرهنگ انقلاب اسلامی مردم و نقطه‌ای برای ارائه پیام‌ها و نظرات نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. به عبارت دیگر یکی از عواملی که موجب شد اسلام در میان مردم بادیه‌نشین عربستان موجب تحول گردد، این بود که برخلاف مکاتب دیگر تنها عامل وعظ و نصیحت نبود، بلکه تأکید بر عدالت اجتماعی داشته و دارد.

از آن جایی که رفتارهای انسان در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، باورها، اعتقادات، آرا و ارزش‌ها و آداب و رسوم و دین و اصول آن سرچشمه می‌گیرد. نماز جمعه می‌تواند اساس رفتار و اخلاق انسان‌ها باشد و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پرچمدار نظام الهی نماز جمعه را به‌عنوان يك الگوی رفتاری در حل اختلافات و مشکلات مسلمانان ارائه دهد و این چنین است که اهمیت و ارزش امام جمعه در حل مشکلات مردم و جامعه مشخص می‌شود. امام‌جمعه باید مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه را بشکافد و توضیح دهد؛ مسؤولان فرهنگی در مراسم نماز جمعه، بهتر می‌توانند واقعیت را بازگو کنند و از نظرات همه مردم کمک بگیرند. امام‌جمعه باید مسائل روز را تشریح کند. همچنین در مورد مسائل جوانان، شبیخون فرهنگی و معضلات مبتلابه مردم سخن بگوید و ارائه طریق دهد. از این رو، هیچ تریبونی بهتر از نماز جمعه وجود ندارد، پس باید از آن به بهترین نحو استفاده

کرد. آن چه باید در خطبه‌های نماز جمعه عنوان شود، مسائل روز جامعه و کشور و مسائل مبتلابه اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. در وهله اول ائمه جمعه باید مسائل شرعی را برای عموم مردم، به‌خصوص جوانان تشریح کنند و مسائل و مشکلات و گرفتاری‌های مردم را از این تریبون عمومی بیان کنند. پیام مردم نیز از همین تریبون به گوش مسئولان می‌رسد تا مسئولان حکومتی برای حل مشکلات معیشتی مردم چاره‌اندیشی کنند و عدالت اجتماعی که یکی از برکات نماز جمعه است، محقق شود.

۲

## نماز عید فطر

مسلمانان در هر شهر علاوه بر نمازهای جماعت و جمعه، دو روز دیگر سال، برای نماز اجتماع می‌کنند و در پرتو توحید، وحدت و اتحاد خویش را محکم‌تر می‌سازند. این نمازها در دو مقطع حساس زمانی یعنی روز عید فطر (پایان ماه مبارک رمضان) و عید قربان (هنگام حج و قربانی) انجام گیرد و همانند نماز جمعه دو خطبه دارد اما پس از انجام نماز ایراد می‌شود که امام جمعه در آن دو خطبه پس از حمد و سوره و بعد از صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و منطقه را مطرح و راحل آن‌ها را ارائه می‌کند. ماه مبارک رمضان به مراسم عید فطر ختم می‌شود تا این فریضه فردی را با يك حرکت اجتماعی تکمیل کند.

مسلمانان در عید فطر موفقیت خود را در روزه داشتن ماه رمضان جشن می‌گیرند. نماز عید فطر هم عبادتی دسته‌جمعی است و هم نمونه‌ای از همبستگی سیاسی و اجتماعی و هم نشان‌دهنده شکوه و اقتدار اسلام است. به همین جهت برپایی نماز عید فطر در درجه اول از وظایف حکومت اسلامی است. و اگر حکومت اسلامی مستقر نباشد مسلمانان خود می‌توانند این آیین را بر پا دارند. (116) از این رو دشمنان اسلام به این نکته توجه کرده‌اند و هشدار داده‌اند تا زمانی که مسلمانان با يك زبان به سوی يك قبله با صفوف فشرده و گرد خانه کعبه طواف می‌کنند و یا نماز می‌خوانند، هرگز نمی‌توانیم بر آن‌ها غلبه کنیم. (117) به همین دلیل نماز نشان شوکت و قدرت امت اسلامی است. هدف از نماز عید فطر: 1. اجتماع و گردهمایی. 2. پرداخت زکات و رسیدگی به فقرا. 3. رغبت و گرایش به خدا. 4. تضرع به درگاه پروردگار است. همه این موارد ناظر به بُعد معنوی و عرفانی این نماز و مراسم عبادی است؛ زیرا از يك سو اثر عمیق معنوی در نمازگزاران دارد و به رشد معنوی آنان کمک می‌کند و هم به آثار اجتماعی و فوایدی که به مردم می‌رسد توجه دارد. مردم با پرداخت زکات فطره در روز عید فطر به مستمندان و بینوایان یاری می‌رسانند. به این سبب، عید فطر را عید فقرا هم می‌گویند. از آثار تربیتی و سازنده نماز عید فطر این است که در آن اجتماع انسان به یاد خدا و قیامت و نیازمندی خویش به رحمت الهی می‌افتد و صحنه قیامت را در نظرها مجسم می‌کند. در روایت است که علی علیه السلام روز عید فطر در خطبه‌ای که می‌خواند، خطاب به مردم فرمود: ای مردم! در این روز نیکان پاداش می‌گیرند؛ در این روز بدکاران زیان می‌بینند. این روز شبیه به قیامت است؛ با بیرون آمدنتان از خانه‌ها و حرکت به سمت مصلی، بیرون آمدنتان از قبرها را به یاد آورید. (118) با توقف خود در مصلی و انتظار نماز توقف در حضور خدا و قیامت را به خاطر آورید. و با بازگشت خود به خانه‌ها بازگشتتان را به خانه‌های خود در بهشت یا جهنم به یاد آورید. به راستی که از وحدت و یکپارچگی مسلمانان در نماز عید فطر است که انسان را به یاد خدا و قیامت می‌افتد. هراس لیو نویسنده و دانشمند انگلیسی چنین می‌نویسد: چیزی که مرا به اعجاب و شگفتی واداشت مشاهده کامل‌ترین درجه مساوات و وحدت و هماهنگی بین مسلمانان بود و آن هنگامی بود که در روز عید فطر در مسجد «وولنگ» در لندن حضور یافته و این امر در من اثر عجیب و بی‌سابقه‌ای بخشید در این مکان افراد از طبقات گوناگون گرد هم آمده و با تمام اختلافی که از لحاظ رتبه و مقام دارند به يك وضع و در يك ردیف قرار گرفته و چنان اختلاط و امتزاج یافته‌اند که گویی همه با یکدیگر برابرند؛ در این جا بسیاری از رجال و بزرگان را می‌بینید که از بلاد مختلف گرد هم جمع شده و با خلوص نیت و عطوفت و صمیمیت در کنار یکدیگر قرار گرفته و تمرین وحدت و توحید و یکتاپرستی می‌کنند و مراسم پر شکوه نماز عید فطر را انجام می‌دهند. (119)

هر سال يك بار اجتماعي بزرگ برای به جا آوردن آيين حج و رسيدگی به اوضاع تمام کشور های اسلامی در مکه تشكيل می شود و مسلمانان که از همه بلاد اسلامی گرد هم آمده اند و به لحاظ استطاعت مالی زیارتخانه خدا (کعبه) بر آن ها واجب شده است از این آيين حنيف دست دوستی و برادری با هم می دهند.

حج در حقیقت يك مجلس عالی است و در این اجتماعات مقصدهای عالی وجود دارد که مردم از مشکلات ممالک مسلمان مطلع بشوند. حج سفری است خدایی و به سوی خدا یعنی علاوه بر سفر مکانی به مکان دیگر سفری است به سوی خدا یعنی کمال لایتناهی و آزاد از قیود مادی؛ پس از طی مسافتی هنگام رسیدن به میقات لباس های زیبایی دوخته را از خود دور می کنند و با غسل و شست و شو، تن از آلودگی ها می شویند و با گفتن لبیک اللهم لبیک اجابت دعوت خدا می کنند یعنی که به فرمانم، به فرمانم، همانا ستایش مخصوص توست؛ نه با «بلعم باعور»؛ هرگز در این ها شریکی برای تو نیست و باز مگر نه این است که نمازگزاران هم در طلوعه نماز همین شعار توحیدی و ضد تثلیثی را با توضیحات بیش تر زمزمه می کنند. (120)

حاجیان با پوشیدن لباس احرام صحنه روز قیامت و کفن پوشیدن خود را یاد می کنند که آن روز بازگشت کامل از جهان پست مادی به سوی خداست. از طرفی حج يك اجتماع بزرگ از مسلمانان با نژادهای مختلف جهان است که برادران اسلامی ناشناخته را با انس و الفت گرد هم جمع می آورد و متحد می گرداند. هنر اسلام این است که حرکت صعودی به طرف خدا و حرکت افقی به طرف خلق را جمع می کند. و این جمع مسلمان را به دور کلمه الله - خدای منزله از همه عیوب - جمع کرده و از حال هم دیگر پرسش و از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و دیگر جهات مطلع می شوند و در صدد چاره برمی آیند و توطنه های استعمارگران را نقش بر آب می کنند.

.....( Anotates ).....

- (۱) بحار الانوار، ج 57، ص 110
- (۲) بحار الانوار، ج 77، ص 304
- (۳) مقتل الحسین، مقرر، ص 256
- (۴) شیخ صدوق، ص 44
- (۵) دمع السجوم، ص 118
- (۶) گفتار های معنوی، ص 130
- (۷) زندگانی امام حسین، سید هاشم رسولی محلاتی، 433
- (۸) محجة البیضاء، ج 1، ص 378
- (۹) اقتباس از کتاب نماز و عبادات امام حسین علیه السلام، عباس عزیزی، ص 24 و 25
- (۱۰) فروغ شهادت، علی سعادت پرور، ص 120
- (۱۱) ترجمه لهوف سیدین طاووس، ص 177
- (۱۲) نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، فرازی از خطبه همام (193)، ص 402
- (۱۳) فروغ شهادت، علی سعادت پرور، ص 181
- (۱۴) بررسی تاریخ عاشورا، ص 64 و 95
- (۱۵) سوره حجرات، آیه 15
- (۱۶) سوره روم، آیه 7
- (۱۷) فهرست موضوعی غرر الحکم، ص 34

- ۱۸) جاذبه و دافعه علی علیه السلام، ص 152  
 ۱۹) نفس المهموم، ص 335  
 ۲۰) نفس المهموم، ص 332 و اعیان الشیعه، ج 7، ص 430 و العباس بن علی راندالکرامه، ص 36  
 ۲۱) عنصر شجاعت، ج 1، ص 316  
 ۲۲) وقعه الطف، ص 266  
 ۲۳) نفس المهموم،  
 ۲۴) نفس المهموم، ص 334  
 ۲۵) کنز العمال حدیث 18907  
 ۲۶) نهج الفصاحه، ص 827  
 ۲۷) بحار الانوار، ج 10، ص 99، من لا یحضر الفقیه، ج 1، ص 56  
 ۲۸) منتخب الغرر، ص 48  
 ۲۹) تحف العقول، ص 455  
 ۳۰) مسند الامام جواد، ص 247  
 ۳۱) بحار الانوار، ج 82، ص 221  
 ۳۲) الہرف، ص 11  
 ۳۳) واقعه الطف، ص 100

۳۴) مرحوم شیخ صدوق در معنای کلمه لطیف که یکی از نام‌های خداست چنین می‌نویسد:  
 لطیف دو معنا دارد:

- الف. آفریدگار چیزهای کوچک و کسی که کارها و تدبیرات او ظریف و دقیق است.  
 ب. نیکویی‌کننده به بندگان و کسی که به بندگان خود لطف دارد. (توحید صدوق، ص 217)  
 ۳۵) اقبال، سید بن طاووس، ص 350-339 و بلدالامین کفعمی، ص 258-251 و بحار الانوار، ج 98، ص 213 به  
 بعد، این دعا در مفاتیح الجنان و سایر کتاب‌ها نقل شده است. جهت استفاده از متن عربی به مفاتیح الجنان مراجعه  
 شود.

- ۳۶) صحیفه نور، ج 17، ص 239  
 ۳۷) بحار الانوار، ج 45، ص 358  
 ۳۸) سفینة البحار، ج 1، ص 650  
 ۳۹) روایت 10770، ج 8، وسائل الشیعه  
 ۴۰) روایت 10768، همان مدرک  
 ۴۱) روایت 10765، همان مدرک  
 ۴۲) روایت 10766، همان مدرک  
 ۴۳) صفحه 19، دانش‌نامه سیاسی  
 ۴۴) صفحه 1322، ج 3، فرهنگ آفتاب  
 ۴۵) صفحه 351، خورشید بی‌غروب نهج البلاغه  
 ۴۶) ص 37، الگوی پرستش  
 ۴۷) ص 324، ج 12، تفسیر نمونه  
 ۴۸) ص 210، مصیبت‌نامه  
 ۴۹) ص 294، ج 12، تفسیر نمونه  
 ۵۰) ص 169، سروده‌های زمان

- ۵۱) ص 219، ج 1، تفسیر نمونه  
 ۵۲) ص 219، ج 1، تفسیر نمونه  
 ۵۳) ص 158، برداشتی از نماز  
 ۵۴) ص 158، همان مدرک  
 ۵۵) ص 159، همان مدرک  
 ۵۶) ص 159، همان مدرک  
 ۵۷) ص 4784، فرهنگ آفتاب

- ۵۸) روایت 10683، ج 8، وسایل الشیعه  
 ۵۹) سیره نبوی، ص 429  
 ۶۰) همان مدرک، ص 429  
 ۶۱) ص 415، ج 1، تفسیر نمونه  
 ۶۲) ص 136، کیمیای سعادت  
 ۶۳) ص 316، خورشید بی غروب نهج البلاغه  
 ۶۴) الفتح، 28 و 29  
 ۶۵) الفتح، 28 و 29  
 ۶۶) امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه 234، فراز 34، ترجمه حسن راشدی  
 ۶۷) عنکبوت، آیه 45  
 ۶۸) صدر السادات دزفولی، سید کاظم، اهمیت نماز و وجوب آن از دیدگاه قرآن و اهل بیت صلی الله علیه وآله وسلم، بی جا، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ اول، پاییز 1378، صص 13 و 14 و 15 و 16  
 ۶۹) عزیزی، عباس، تفسیر و پیام آیات نماز، قم، انتشارات نبوغ، چاپ اول، بهار 1375، ص 90  
 ۷۰) راشدی، حسن، نماز شناسی، تهران، ناشر: ستاد اقامه نماز، چاپ اول، بهار 1375، ج 1، ص 238  
 ۷۱) نماز و زندگی (مجموعه سخنرانی‌های هشتمین اجلاس سراسری نماز)، تهران، دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، چاپ اول، تابستان 1378، ج 2، صص 91-92  
 ۷۲) تفسیر و پیام آیات نماز، ص 89  
 ۷۳) نماز شناسی، ص 237  
 ۷۴) اخلاق نماز گزاران، ص 100  
 ۷۵) هزار و یک نکته درباره نماز، صص 110-109  
 ۷۶) وحدت پناه، علیرضا، نماز و جامعه شناسی، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ اول، پاییز 1379، ص 84  
 ۷۷) خانواده و نماز، ص 58  
 ۷۸) قرآن کریم، سوره حج، آیه 41  
 ۷۹) سلامت روح (نماز و عبادت در تفسیر نمونه)، ص 93  
 ۸۰) نماز، زیباترین الگوی پرستش، صص 95-94  
 ۸۱) نماز، حکومت، تربیت، صص 90-59-52-41-40  
 ۸۲) نماز زیباترین الگوی پرستش، ص 97  
 ۸۳) نماز زیباترین الگوی پرستش، ص 97  
 ۸۴) نماز شناسی، ص 231  
 ۸۵) اسلام و تحولات زندگی، ن، محمد قطب م، محمد علی عابدی، ص 90  
 ۸۶) برگرفته از کتاب غرب بیمار است. ص 33 ن، محمود حکیمی  
 ۸۷) اسلام و تجدید حیات معنوی، ص 4  
 ۸۸) اسلام و تحولات زندگی با اندکی تصرف، ص 338، ن، محمد قطب م، محمد علی عابدی  
 ۸۹) به نقل از کتاب راه تکامل، ص 403، ن، استاد احمد امین م، احمد نجفی  
 ۹۰) روایات مربوط به صلّه رحم از اصول کافی، ج 2، ص 155 تا 157 نقل شده است.  
 ۹۱) شناخت اسلام «از بخش خودسازی استفاده شده»  
 ۹۲) جامع السعادت، ج 2، ص 234  
 ۹۳) اصول کافی، ج 2، ص 349  
 ۹۴) مجمع البیان، ج 1، ص 101  
 ۹۵) سوره مبارکه رعد، آیه 28  
 ۹۶) سوره مبارکه انفال، آیه 2 و 3  
 ۹۷) خصال ابواب 29 گانه و مستدرک الوسائل، ج 1، ص 180، چاپ قدیم  
 ۹۸) سفینه البحار، باب ولی، وسایل الشیعه، ج 1، ص 91  
 ۹۹) وسایل الشیعه، ج 1، ص 93  
 ۱۰۰) سوره مائده، آیه 55  
 ۱۰۱) تفسیر نماز، ص 39

- ۱۰۲) اکنز العرفان فی فقه القرآن، ج 1، ص 141  
۱۰۳) مکیال المکارم، ج 2، ص 373  
۱۰۴) ا.ر.ک، تفسیر نماز، ص 39  
۱۰۵) اسرار الصلوه، ص 91-90  
۱۰۶) میزان الحکمه، ج 5، ص 371  
۱۰۷) ارشاد القلوب، ج 2، ص 179  
۱۰۸) دلایل النبوه، ج 1، ص 268  
۱۰۹) نماز نشانه حکومت صالحان، ص 101  
۱۱۰) ازینب بنت الامام امیر المؤمنین، ص 18-17  
۱۱۱) تفسیر میزان، ج 6، ص 203 به بعد  
۱۱۲) تفسیر میزان، ص 206  
۱۱۳) وسائل الشیعه، ج 6، ص 350  
۱۱۴) اصول کافی، ج 2، ص 331  
۱۱۵) رساله توضیح المسائل، ص 201  
۱۱۶) نماز از دیدگاه قرآن و عترت  
۱۱۷) اسرود یکتا پرستی، ص 132  
۱۱۸) پرتویی از اسرار نماز، صص 238-236  
۱۱۹) نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص 68  
۱۲۰) ا.ر.ک. نماز تسلیم انسانی عصیانگر